

پویش

سال دوم شماره ۱۵

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

مقدمه ای بر جنبش
ضد جنگ در آلمان ۷

جنبش ضد جنگ ، بیدار باش دوباره
جنبش ترقی خواهانه در اروپا ۲



جنگ ویرانگر اخیر از زاویه نگرش جوزعلی طنز ۹

گسترش کم نظیر و باشکوه

مبارزه طبقاتی در ترکیه

۲۴

خبر ۱۶

فامه های رسیده ۱۰

گستاخی رفسنجانی در

نظاخرات قهرآمیز ۱۰۰هزار یونانی

بر علیه قوانین دولتی

۲۱

تبلیغ میفه (فحشاء اسلامی) ۵

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

جنبش ضد جنگ ، بیدار باش دوباره جنبش ترقی خواهانه در اروپا

در نیمه اول ژانویه ۱۹۹۱ جنبش ترقی خواهانه اروپا، از خواب رخوت انگیز چندین ساله برخاست. تلاطم بحران خلیج و آغاز جنگ، زمینه ساز جنبشی شد که در پی آن صدها هزار نفر در اروپا و آمریکا به خیابانها ریختند و تنفر عمیقشان را نسبت به این جنگ ویرانگر و ایجادگر آن بیان داشتند و این روند همچنان ادامه دارد.

طی این مدت اشکال متفاوتی از حرکتهای اعتراضی، از سازماندهی تظاهرات تا اکسیونهای خیابانی، از اعتراضات کارگران، تا صف آرائی دانشجویان و دانشآموزان از جمع آوری امضا تا اشغال مراکز تولید کننده سلاحهای مرگ آور و ۰۰۰ بهم تنیده شد، تا بار دیگر، بیدار باش جنبشی را نوید دهد که سالها به حاشیه رانده شده بود. از این نظر است که ژانویه ۱۹۹۱، بیدار باش نویسی در جنبش ترقی خواهانه اروپا محسوب میشود. این بیدار باش نوین اما، آنجائی می تواند، گسترش یافته و در مسیری رادیکال قرار گیرد، که سازمان دهندگان آن نیروهای پیشرو و فعالین چپ، وظایف اساسی خود را دریابند، نیروی خود را متراکم سازند و نبی این جنبش را بدست بگیرند.

نیروهای پیشرو نیز در شرایطی می توانند، سازمانگر و سازمانده سیر آتی این جنبش و جنبشهای احتمالی پسین آن باشند، که به جوانب و علل تحولات - گذشته، حال و آینده جهان که جنگ خلیج نیز به علل گوناگونی با آن گسره خورده است پاسخ گویند. اگر از عامترین پاسخ که هیچ تردیدی در ماهیت این جنگ ارتجاعی باقی نمی گذارد و قطعاً "وظایف عملی بسیاری را پیش روی ما قرار داده است، بگذریم بسیاری از پرسشها هم اکنون مطرحند و پاسخ خود را می طلبند. اینکه جنگ چگونه و چرا آغاز گشت، افق آتی آن چگونه است و چه شرایطی را برای کشورهای درگیر در جنگ بوجود خواهد آورد؟ پس از تحولات اروپای شرقی آرایش سیاسی جهان چه روندی را در پیش خواهد گرفت و جنگ خلیج چه اثراتی بر آن خواهد گذاشت؟ " اروپای متحد فردا" و آمریکا چه آیندهای را در پرتو جنگ خلیج دنبال میکنند و تضادهای جناحهای مختلف جهانی در این باب چگونه است؟ حرکت سرمایه در عرصه جهان در چه بستری جریان دارد - و ۰۰۰۰ بی تردید این پرسشها باید پاسخ خود را باز یابند و تعمیق جوانب مختلف آنها وظیفه نیروهای پیشرو و کارست نتایج آن در عرصه تئوری و پراتیک است. با این وجود اما همانطور که پیشتر گفته شد، نمیتوان در عامترین نکات، این جنگ ارتجاعی را محکوم نکرد و حقانیت جنبشی را که در پرتوی آن شکل گرفته است نادیده گرفت و حاشیه نشین رویاندها بود.

هیچ یک از طرفهای درگیر در جنگ، دارای اهداف پیشروی نیستند که بالمعنی این جنگ در مدار توسعه طلبی و تثبیت "نظم و آرامش" سرمایه جریان دارد. کارگران و زحمتکشان کشورهای درگیر در جنگ هیچ منفعتی در این جنگ ندارند. هیچ یک از صدها هزار کارگر و زحمتکش و انسانهای بیگانه که گوشت دم تسوپ ارتش عراق اند، و یا آن سرباز آمریکایی و اروپایی که بزور به جبهه های جنگ روانه شده، منفعتی در این جنگ ندارند. همین مدت کوتاه حقایق بسیاری را از اهداف و ماهیت طرفین در جنگ برملا ساخت. در یک طرف این جنگ دولت

عراق قرار دارد، که اشغال کویت را بهانه ای ساخته تا مدعی حقوق مردم ستمکش فلسطین شود و در واقع توسعه طلبی و اقتدار سیاسی-نظامی خود را در منطقه گسترش دهد. حقوق مردم ستمکش فلسطین با موشک اندازی به مناطق مسکونی اسرائیل تأمین نمیشود. تحقق مطالبات مردم فلسطین در گرو مبارزات خود آنان است، مبارزاتی که طریقه افت و خیزهایش از حقانیت واقعی برخوردار است. مردم ستمکش فلسطین نباید این نکته را از یاد برند که هیچیک از دول ارتجاعی عرب مدافع آنان نیستند و در پیج و خمهای مختلف به فلسطینیان پشت کرده اند. آن نیروهای مدعی منافع مردم فلسطین نیز که هم اکنون به زیر پرچم صدام حسین به خط شدتاند، فردا در مقابل مردم فلسطین باید پاسخگو باشند.

در سوی دیگر این جنگ آمریکا و متحدین اش قرار دارند که به منظور بازگرداندن "نظم" و "آرامش" دلخواه، حفظ و گسترش نفوذ اقتصادی، سیاسی، نظامی و اعاده قدرت به شیوخ دست نشانده خود، مجوز جنگ طلبی را ابتدا از سازمان ملل گرفتند و سپس با عملیات "طوفان صحرا" تهاجم نظامی به عراق را آغاز نمودند و برآستی که طوفانی از کشتار و قتل عام مردم بی دفاع عراق را آغاز کردند.

در میان متحدین آمریکا وضعیت اسرائیل قابل تمعق است. دولت صهیونیستی اسرائیل، از وحشت اینکه صدام حسین توانسته بخش وسیعی از ناسیونالیسم عرب را بر زیر پرچم خود بکشد، و اینکه تلاطم جنگ خلیج و کوچکترین پیروزی برای عراق ممکن است توازن قوا را در خاورمیانه بهم ریزد، بیکاره مظلومنما شده و خود را مدافع صلح و انسان دوستی معرفی میکند. کیست که بتواند ظلم نمانی دولت صهیونیستی اسرائیل را، که تحت شرایط جدیدی از توازن قوا، وحشت از رشد و "رادیکالیزه" شدن ناسیونالیسم عرب، ایجاد ثبات در مواضع دولتهای عرب ضد عراق و ۰۰۰ باور کند، هیچ انسان شرافتمندی نمیتواند جنایات اسرائیل علیه فلسطینیان و اشغال جنوب لبنان را فراموش کند. صبرا و شتیلوفرانوش ناشدنی است.

جنگ خلیج بسیاری از حقایق دیگر را نیز عریان تر ساخت. چهره "انسان دوستانه" و "دمکراسی" واقعی سرمایه داری در اروپا و آمریکا را. تنها در عرض چند ساعت بب افکهای آمریکائی و متحدین اروپائی اش هزاران تن بعب بر سر مردم بیگناه عراق ریختند. آمار کشتار غیر نظامیان در عراق تاکنون از رقم صدها هزار تن گذشته است. هر چند که تمام دستگاههای نظامی و سیاسی بکار گرفته شدتاند تا از انعکاس ابعاد جنایات جنگی آمریکا و متحدینش جلوگیری کنند. فرمانده نظامی "نیروهای چند ملیتی" گفته است که سیستم اخبار و اطلاعات مربوط به جنگ باید آنچنان کنترل شده باشد که سیر افکار عمومی به نفع آمریکا و متحدینش هدایت شود و از رشد جنبشهای ضد جنگ که به گفته وی تجربه بزرگ آنان از جنگ با ویتنام بود، جلوگیری کند. گزارشهای خبری مربوط به جنگ آنچنان ابلهانه تحت عنوان "بررسی امنیتی" و "حفاظت از جان خبرنگاران" سازماندهی شده که تنفر عمومی را برانگیخته است. بخش وسیعی از رسانه های عمومی و مطبوعات مشمول سانسور امنیتیسی

جنبش ضد جنگ ، بیدار باش دوباره جنبش ترقی خواهانه در اروپا

اهمیتتر از همه با جنبش کارخانه و مبارزات کارگری می‌تواند راستای این جنبش را به سمت شکل بخشیدن به يك جنبش اجتماعی رادیکال، سوق دهد. همین تلاش "فعالین جنبش خیابانی" نیروهای پیشرو در سازماندهی جنبش ضد جنگ موجب شده است، که نیروهای محافظه کاری که تاکنون یا سکوت کرده بودند و یا با معاشات با جنگ افزوزان در حاشیه قرار داشتند، تمامی تلاش خود را بکار بندند تا جنبش را در مسیر دلخواه خویش بکشانند. مترصدند که رادیکالیسم نهفته در جنبش را از مضمون تهی کنند، خود پرچم آنرا به دست گیرند، آنرا وسیله‌ای سازند، به منظور تثبیت موقعیت خود در پارلمان و یا امتیازگیری از جناحهای حاکم .

خطری که نیروهای پیشرو و "فعالین جنبش خیابانی" را تهدید میکند، از هم گسیختگی سازمانی و پراکندگی آنان است. نکته دیگر آنکه از درک شرایطی که

شدند و تنها از "دلایرهای خلبانان نیروهای چند ملیتی" ، که روزانه هزاران تن بمب بر سر مردم بیگناه عراق می‌ریزند، تجلیل میشود. حتی مراکز نیروهایی که در پارلمان حضور دارند، بعزت مخالفت با جنگ، بارها توسط پلیس اشغال و کنترل شده است. این است ماهیت دولتهایی که مدعی انسان‌دوستی، دموکراسی، آزادی اندیشه و مطبوعاتند.

جانیاتی که ظرف چند روز اول جنگ صورت گرفت، سانسورهای که بر مطبوعات و رسانه‌های خبری اعمال شد، تفتیشهایی که از مخالفین صورت گرفت و نقاب از چهره " انسان دوستانه " این مدعیان دموکراسی، حتی برای آن دسته از عقب ماندهای سیاسی و عوامی که به دموکراسی اینان باور داشتند، برگرفت . هر چند که هنوز مردار تعفن برانگیز این دموکراسی کاذب و ایجاد گرانگش بر دوش پارتای از پادوهای بی‌چیره و مواجشان، سنگینی می‌کند. بگذار ایمن



این جنبش را سمت يك جنبش عظیم اجتماعی هدایت کند، دور شوند. تمامی سیاستهای نیروهای محافظتکار که پشت سیاست " ضد جنگ" پنهان شدند اینان است که نیروهای رادیکال را به حاشیه برانند. نیروهای پیشرو و رادیکال اگر بخواهند که به نیرویی در خود بدل شوند، "اکسونهای خودشان" را سازماندهی کنند، شکبائی خود را در مقابل موانع از دست دهند، ره به جایی نخواهند برد. گرچه در شرایط کونی نیروهای پیشرو و رادیکال ، بلحاظ سازمانی از هم گسیختنند، با این وجود طرح مطالبات و بلاتفرمهای مشترک و پراتیک هاهنگ بیامون آنها، می‌تواند تا حدودی موانع موجود در راه سازمانگری ایمن جنبش را برطرف سازد. همین مطالبات و بلاتفرمهای مشترک و پراتیک که حول آنها سازماندهی شده، تحرك مهمی را در سازماندهی این جنبش موجب شده است. ما نیز بعنوان نیرویی که متناسب با توانمان باید در این جنبش دخالتگر باشیم، کار پایه فعالیت خود و همکاری مشترکان را با نیروهای پیشرو و رادیکال را می‌توانیم بر مبنای مؤلفه‌های زیر قرار دهیم:

این جنگ، جنگی است ارتجاعی و هیچ يك از طرفین درگیر در جنگ دارای اهداف و سیاستهای پیشرو و ترقی نیستند. کارگران و زحمتکشان هیچ نفعی در این جنگ ندارند.

مردار را بر دوش کشند.

در آنسوی قطب جنگ و ایجاد گرانگش، قطب جدیدی در حال شکل‌گیری است . جنبش نوین ضد جنگ آغاز شده و در حال تکوین است، صدها هزار نفر در سراسر جهان با شرکت در اعتراضات و مبارزات ضد جنگ به این قطب در حال شکل‌گیری و رشد پیوسته‌اند. جنبشی که در اعتراضی به جنگ افزوزیها، کشتار و قتل عامها، در مخالفت با انواع سلاحهای مرکبار در مخالفت با ایجاد گران جنگ در اعتراض به سانسور و تفتیش و . . . شکل گرفته، نمایشگر بیدارباش افکار عمومی جهان، فعالیت انسانهای آزادیخواه و شرافتمند و تلاش نیروهای پیشرو و رادیکال در برانگیختن وجدان بیدار جهانی است .

بر بستر زمینه‌های مادی‌ای که جنبش ضد جنگ بر آن قرار دارد، " فعالین جنبش خیابانی" که اکثریت آنانرا فعالین چپ تشکیل میدهند، و نیروهای پیشرو نقش ایزنمای در سازماندهی این جنبش ایفا نموده‌اند. اشکال درهم تنیدهای از سازماندهی را به پیش بردند و باید که به انکشاف اشکال دیگری در تناوم پراتیک و مبارزه خود ناائل آیند. بسیاری از سنتهای با ارزش گذشته در جریان رویدادهای اخیر زنده شد و سنتهای دیگری باید آفریده شود. در هم آمیزی این جنبش با دانشگاه و مدرسه و مزرعه، با جلب بیشتر افکار عمومی و انسانهای آزادیخواه و بویژه و با

جنبش ضد جنگ ، بیدار باش دوباره جنبش ترقی خواهانه در اروپا

پیشرو حق پناهنده‌گی برای آوارگان جنگی ،

از جمله مطالباتی هستند که می‌تواند بعنوان مطالبات عام، صفوف جنبش ضدجنگ را به هم فشرده کند. چنانکه این جنبش در سری رادیکال تاووم یابد، با جنبش کارخانه انجام شود و صفوف نیروهای رادیکال و پیشرو را بهم فشرده سازد، بیدار باش ژانویه ۱۹۹۱ می‌تواند طلیعه‌ای باشد برای جنبشهای عظیم اجتماعی دیگر .

ژانویه ۱۹۹۱

ایرانبوب



این جنگ، جنگ قدرتهای سرمایه‌داری برای تحقق اهداف سیاسی - اقتصادی و نظامی خویش است .
این جنگ، مرگ، مجروح و معلول شدن صدها هزار انسان را به همراه دارد.
جنگی است که منجر به بی‌خانمانی و آوارگی میلیونها تن از مردم منطقه و بویژه مردم عراق شده است .
جنگی است که در ادامهش خطر گسترش کشتار و کشته شدن جبهه‌های جدید مرگ و نیستی وجود دارد.
جنگی است که در آن امکان استفاده وسیع از سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک وجود دارد.

جنگی است که مبارزه کارگران و مردم مستعبد منطقه علیه سرمایه‌مداران و دولتهای خودی را تحت الشعاع قرار داده است .
جنگی است که هزینه‌های آن را نیز کارگران و زحمتکشان سراسر جهان باید تحمل کنند. بنابراین :

هر دو طرف درگیر در جنگ برای منافع اقتصادی ، سیاسی، نظامی و توسعه طلبی خود، که هیچ نفعی برای مردمان ندارد به این جنگ خانمان سوز دست زدند. دولت عراق با هدف تبدیل شدن به قدرت فائده در میان کشورهای عربی و منطقه و برای رفع تنگناهای اقتصادی، به اشغال نظامی کویت پرداخت و دول آمریکا و اروپا به منظور بازگرداندن و تثبیت " نظم " و " آرامش " دلخواه خویش، حفظ و گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه، اعانه قدرت به شیخ دست نشانده خود در کویت و حمایت از دولتهای مرتجع عرب حاشیه خلیج، به تهاجم نظامی علیه عراق مبادرت ورزیدند . بنابراین:

قطع فوری جنگ و اعلام آتش بس بین طرفین ،

خروج نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش از منطقه ،

خروج نیروهای عراق از خاک کویت و تعیین سرنوشت برای مردم این

کشور ،

حق تعیین سرنوشت برای مردم مبارز فلسطین و تشکیل دولت مستقل

فلسطینی ،

محکومیت سرکوب کردهای منطقه زیر لوای مسائل " امنیتی " ،

حل منازعات منطقه از طریق غیر نظامی ،

بر چیده شدن سانسور خبری و انتشار اخبار واقعی مربوط به جنگ

و لطماتی که تا کون به مردم بیگناه وارد شده است ،

بر چیده شدن هزینه‌های جنگی از طریق مالیاتها و ...

متوقف نمودن آزمایشات مربوط به ساخت سلاحهای شیمیایی، بیولوژیک

و اتمی و نابودی سلاحهای مرمکار در سراسر جهان ،

انتشار رسمی و کامل لیست شرکتهایی که مبادرت به فروش سلاحهای -

شیمیایی، بیولوژیک و ... نمودند و محاکمه صاحبان آنها بعنوان جنایتکاران

جنگی ،

لطفاً برای مکتبه با ما به تغییر آدرس توجه کنید.

آدرس جدید: Solidaritätsverein mit

iranischen Völkern

Postfach 5311

3000- Hannover 1

W- Germany

پیشرو

ماهنامه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران:

آدرس: Solidaritätsverein

mit iranischen Völkern

Postfach 5311

3000- Hannover 1

West Germany

بها اشتراک:

آلمان

یکساله ۲۸/۸۰ مارک

ششماهه ۱۵ مارک

دیگر کشورها

یکساله ۳۱/۲۰ مارک

ششماهه ۱۶ مارک

تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است .

تک فروشی: ۱/۵ مارک

گستاخی رفسنجانی در تبلیغ صیغه (فحشاء اسلامی)

مروری بر قوانین ایران نسبت به زنان

مقدمه

سخنان رفسنجانی در خطبه نماز جمعه روز ۹ آذر (۳۰ نوامبر) در مورد اینکه برای " ازدواج موقت" صیغه عربی و رفتن پیش مضم لازم نیست و به فارسی هم می‌توان صیغه خواند و مخالفتی که از جانب حزب اللهیها با این صحبت‌های رفسنجانی صورت گرفت، بار دیگر موضوع نگرش اسلام و جمهوری اسلامی به زنان را به مسئله روز تبدیل کرده است .

در مقاله حاضر، ابتدا مروری داریم بر این امر که نگرش ارتجاعی اسلام نسبت به زن چگونه در قوانین ایران چه در دوره شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی متبلور شده است. در این قسمت مقاله، از مطالب جزوه " زنان در رژیم ولایت فقیه" کارنامه هفت سال ستم" نوشته گروهی از هواداران سازمان وحدت کونیستی چاپ اول، اسفند ۶۴ سود جستیم.

در ادامه مقاله به سخنان اخیر رفسنجانی اشاره نموده و به بررسی مختصر آن می‌پردازیم.

قوانین ارتجاعی رژیم شاه نسبت به زنان

جمهوری اسلامی در زمینه نحوه رفتار نسبت به زنان نیز همچون زمینهای دیگر برای رژیم شاه آبرو خریده است . و حسیگری و بربریت حکومت ۱۲ ساله اسلامی چنان است که در مقابل آن دیدگاه ارتجاعی رژیم پهلوی نسبت به زنان و ستمی که در زمان پهلوی به ایشان اعمال میشد، کم رنگ گردیده است. گاهی اوقات فراموش میشود که در زمان شاه نیز اگر چه برخی آزادیهای فردی نظیر آزادی نسبی پوشش، آزادی نسبی در انتخاب مشاغل ورشته تحصیلی، حق نسبتاً برابر با مردان در امر طلاق و ممنوعیت تعدد زوجات در قوانین ملحوظ شده بود، اما همین آزادیهای نسبی و نیم بند نیز از یکسو به علت وابستگی اقتصادی زنان به مردان و از سوی دیگر به دلیل فرهنگ مردسالارانه که رژیم پهلوی نیز در بقای آن ذینفع بود، بسیار محدود بودند و همین حقوق نیم بند زنان نیز در عمل به اشکال گوناگون پایمال میشد.

به علاوه صرفنظر از چند مورد محدود، شالوده قوانین و مقررات زمان شاه بر تبعیض بس ارتجاعی بین زن و مرد قرار داشت .

در این زمینه کافی است به نمونههای زیر که عبق تبعیض حقوقی بین زن و مرد در زمان شاه را نشان میدهند توجه کنیم :

۱- اگر زنی شوهرش مفقود الاثر شود تا چهار سال باید صبر کند و پس از اینکه از عدم بازگشت او مطمئن شد ۱۰۰ روز عزاداری نماید. سپس می‌تواند ازدواج کند. حال آنکه اگر مردی زنی مفقود الاثر شد بلافاصله می‌تواند ازدواج کند.

۲- طبق ماده ۱۷۹ قانون جزایی زمان شاه ، شوهری که همسرش را سه هنگام رنا غافلگیر نماید وزن خود و مرد دیگر را بکشد، تشره میشود ولسی اگر زنی تحت همان شرایط مرتکب قتل شود، به عنوان قاتل تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

۳- اگر پدر یا برادر و یا پسر زنی ، وی را هنگام رابطه جنسی نامشروع بیابند و دست به قتل وی زنند فقط به يك تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم میگردند و اگر او را مجروح کرده باشند، به هشت روز تا دوماه زندان محکوم خواهند شد.

۴- شوهر باید برای خروج از مرز به زنی اجازه کتبی بدهد و انتخاب محل کار زن با جلب رضایت وی انجام گیرد.

۵- زن ایرانی برای ازدواج اول خویش ولو اینکه از سن قانونی ۱۸ سال گذشته باشد احتیاج به اجازه پدر و یا قیم قانونی خویش دارد.

۶- طبق قوانین زمان شاه زن ایرانی در اکثر موارد حق شهادت نداشته و اگر در مسائل استثنایی مثل ازدواج به او حق شهادت داده شود، شهادت دو زن - برابر با شهادت يك مرد است .

۷- در مورد ارث هم دختر نصف پسر ارث میبرد و به زن تحت شرایطی يسك هشتم ارث شوهر میرسد، در حالیکه به شوهر تحت همان شرایط يك چهارم ارث زن تعلق می‌گیرد.

۸- مطابق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست خانواده از خصایم مرد است .

۹- در خانواده تمام تصمیمهایی که مربوط به مسائل مشترك خانواده باشد، قانوناً از حقوق مرد است . این تصمیمها شامل انتخاب محل سکونت، تعلیم و تربیت اطفال، قیمومت و تبعیت اطفال تا قبل از سن رشد، اجازه کار به زن و ... می‌گردد.

۱۰- زن علاوه بر تکمین و حرف شنوی از شوهر و انجام کارهای خانه موظف است در زمینه مسائل جنسی کاملاً از شوهر اطاعت کند. مطابق قوانین ایران زمان پهلوی و احکام و قوانین اسلام، مرد در هر زمان و هر مکان حق دارد از زن خود درخواست هم خوابگی کند. (زن هر چهار شب يك بار حق همستری دارد) در مقابل انجام این "خدمات" نفقه زن به عهده مرد است. به عبارت دیگر زن درازای عرضه تن خود و کار بی اجرتی که در خانه انجام میدهد تنها حق دارد خرج مسکن، لباس، غذا و استفاده از اثاث خانه را از شوهر خود مطالبه کند. جالب اینجاست که اگر زن از انجام این وظایف خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود!

۱۱- محکومیت کسانی که وسایل سقط جنین را فراهم کنند از ۳ تا ۱۰ سال است و این امر قتل نفس محسوب میشود و ...

اینها نمونههایی بودند از قوانین به غایت ارتجاعی ایران در زمان پهلوی. قوانینی که بنیاد شان بر نگرش اسلام به زنان و بربرده و زیر دست بودن زن قرارداشت.

جمهوری اسلامی و ضدیت با زنان

سابقه ضدیت و دشمنی خمینی و اعوان و انصارش با هرگونه شل کردن زنجیر بندگی زنان و " اعطاء" آزادیهای نیم بند به ایشان به سالها پیش از

گستاخی رفسنجانی در تبلیغ بیغه (فحشاء اسلامی)

به جرأت می‌توان گفت که بخش اعظم مخالفت خمینی و دارو دستکش با رژیم شاه و غیر اسلامی و غرب زده خواندن آن از این زاویه بود که بزعم ایشان رژیم شاه نمی‌توانست آنطور که باید احکام اسلام را پیاده نموده و زنان را سرکوب کند؛ از نظر خمینی و اعوان و انصارش آن درجه از قوانین ارتجاعی - اسلامی در زمان شاه و آن میزان از تبعیض بین زن و مرد به هیچوجه کافی نبود و واجب بود زن باز هم بیشتره پریه و کنیز مرد بدل شود.

منطبق با این پیش‌پس از سرنگونی رژیم شاه و از همان بدو به قدرت رسیدن

انقلاب ۵۷ باز میگردد. خمینی در سال ۴۱ در مخالفت با شرکت زنان در انتخابات گفت: "دیدیم که از اولی که این دولت بی‌سواد و بی‌حیثیت روی کار آمد، از اول، هدف اسلام را قرار داد، در روزنامه‌ها با قلم درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات نماندند" (۲)

خمینی در همان سال و در سخنرانی دیگری نظرات خود درباره زنان را واضحتر بیان کرد:

"... زنها را وارد کردید به ادارات، ببینید در هر اداراتی که وارد میشوند



همه به چشم خریدار به او خیره شده‌اند، گویا کالایی است که برای عرضه به نمایش گذاشته شده است.

عکس بالا صحنه‌ای از یک خواستگاری سنتی ایرانی را نشان میدهد.

جمهوری اسلامی تاکنون سرکوب زنان یکی از مشغله‌های اساسی و دائمی حاکمان جدید گردید.

در ۱۷ اسفند (۸ مارس) ۵۷، خمینی موضوع ضرورت حجاب اسلامی را طرح کرد، سخنان وی با اعتراضات و راهپیمایی‌های گسترده زنان پاسخ گرفت و رژیم موقتاً "عقب نشست".

پس از آن طرح حجاب اجباری ابتدا در ارتش و آموزش و پرورش اجرا شد. سپس ورود زنان بدون حجاب به ادارات دیگر، شرکت‌های خصوصی و مغازه‌ها ممنوع گردید و به دستور دولت وسایط نقلیه عمومی از سوار کردن زنهای بدون حجاب منع شدند.

سرانجام بعد از سرکوب نیروهای سیاسی، تسخیر دانشگاه و باز پس گرفتن تمامی آزادیها و دست آوردهای کسب شده پس از قیام بهمن، حجاب اجباری در تابستان ۵۹، به طور عمومی تحقق یافت و رژیم اعلام کرد که "بی‌حجابی ۴۵ روز زندان یا ۷۶ ضربه شلاق یا دو هزار تومان جریمه دارد." (۶)

بقیه در صفحه ۱۹

آن اداره فلج شد... زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زنند، می‌خواهید استقلالتان را زنها تأمین کنند؟" (۳)

دو سال بعد خمینی مخالفت خود را با هر نوع تساوی حقوق زن و مرد ابراز داشت و خطاب به وعاظ دینی گفت:

"از تساوی حقوق (زن و مرد) اظهار تفرقید و از دخالت زنها در اجتماع که مستلزم مفاسد بیشمار است، ابراز انزجار و... کنید." (۴)

پس از آن نیز زمانی که بحث احتمال تشکیل نادگه‌های خانواده و تغییر در حق طلاق میشود، خمینی به همراه آخوندهای مرتجع دیگر فریاد بر می‌آورد:

"روحانیت ملاحظه می‌کند که دولت، مذهب رسمی کشور را طبعه خود قرار داده و در کنفرانسها اجازه میدهد که گفته شود قدمهایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده، در صورتی که هر کس با تساوی حقوق زن در ارت و طلاق و مثل اینها که جزء احکام ضروری اسلام است معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است." (۵)

مقدمه ای بر جنبش ضد جنگ در آلمان (۱)

و تاکوونی این جنگد که قطعاً اگر جلوی این بربریت و کشتار گرفته نشود، افقی به مراتب تاریکتر، سرنوشتی بمراتب فلاکتبارتر و در یک مقیاس وسیعتر نه تنها مردم منطقه بلکه جهانیان را تهدید میکند.

علیرغم اینکه رسانهها و دستگاههای ارتباط جمعی با رگباری از تبلیغات دروغین و هیاهو و عوامفریبی، جهت پوشاندن حقایق خانمان برانداز این جنگ و محق جلوه دادن سیاستهای جنگی و سلطه طلبانه سرمایهداری جهانی زیر عنوان "دفاع از موازین حقوق بین المللی" جهانیان را برای این مردم کشی آماده می‌کردند و سانسور تعمیم یافته بی سابقه و سیستماتیکی برای شستشوی مغزها حکمفرما بود، موثرترین و متنوعی از اعتراضات، آکسیونها و تظاهرات برای مقابله با این جنگ و رسانهها و سیاستمداران و سخنگویان طرفدار آن، سراسر جهان را فرا گرفت. این حرکات نشان داد که مردمی که چشم‌اندازی در جنگ بجز ضایع شدن هر چه بیشتر حقوقشان برای خود نمی‌بینند، قربانیان چشم بسته قدرتمندان نیستند و به سادگی تسلیم تحریکات آنها نمی‌شوند.

موج مخالفت با جنگ از همان ابتدای احتمال بروز آن آغاز شد، در آستانه جنگ وسعت کم نظیری به خود گرفت و با تداوم آن به یک جنبش اجتماعی که طبقات و اقشار مختلف و احزاب، سازمانها و دستجات گوناگونی را در خود می‌پذیرفت، تبدیل شد.

جنبش ضد جنگ در اروپا، برای ابراز مخالفت‌های خود و مقابله با سیاستهای جنگی و هیاهوی تبلیغاتی سیاستمداران و رسانه‌های طرفدار جنگ اشکال متنوعی را به نمایش گذاشت، که در میان آنها، سازماندهی تظاهراتی وسیع خیابانی، اعتراضات و اعتصاب دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان، بلوکه کردن خیابانها و مسدود نمودن ریل‌های راه‌آنها، تحصن‌های گسترده، نمایشات سمبلیک ضد جنگ در مراکز تردد عمومی، اعتراضات کارگران، تجمع رویروی مراکز مهم دولتی، مراکز نظامی آمریکا، سفارتخانه‌های آمریکا، انگلیس و عراق، جمع آوری امضا، ایجاد جلسات سخنرانی برای افشای حقایق جنگ، خصلت سرمایه‌دارانه و ارتجاعی آن و **مصائب قربانیان مستقیم آن، گردهم‌آیی‌های گوناگون برای تبادل نظر و برپایی حرکات مشترک، تنظیم صدها و پخش میلیونها اعلامیه در تقابل با تبلیغات ریاکارانه و یک جانبه رسانهها و مطبوعات رسمی، از برجستگی بیشتری برخوردار بودند.**

قبل از اینکه به رؤس مطالبی که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت اشاره کنیم ذکر نکات زیر لازم به نظر میرسد متأسفانه با وجود سانسور بی‌سابقه‌ای که با برنامه‌های منظم و از پیش تعیین شده پنتاگون

۱۹ روز از آغاز جنگ ویرانگر ارتش آمریکا و مؤتلفینش باعراق میگذرد. ۱۹ روزی که هر لحظه آن توأم با حمله وسیع جنگنده بمب افکنها و شلیک موجی از مدرن ترین و مخرب ترین سیستمهای موشکی و بمبهای هدایت شونده و ۰۰۰ بر روی مردم عراق بوده است.

مردم زحمتکش و تحت ستم عراق، مردمی که زیر چکمه‌های دیکتاتورهای حاکم بر این کشور له می‌شوند، اینک در جنگ دو نیروی وحشی که یک طرف آن ریاکارانه با علم و کتل "دمکراسی" و "مقابله با تجاوز" خود



گوشه ای از اعتراضات مردم برلین در روز ۱۷ ژانویه

را آب و رنگ داده، تک‌تک می‌شوند. هزاران تن بمبی که هر ساعت بر سر مردم ستم‌دیده عراق ریخته می‌شود، نسل کشی و اجساد انسانهای بیدفاعی که مسیر تاکوونی این توحش را پوشانده، آوارگانی که محصول این بیدادند، کودکان و نوجوانانی که زیر آتش این بربریت پرور میشوند، زخمیانی که در بی‌امکاناتی موجود در عراق، هیچ افقی برای ادامه زندگی نمی‌بینند، میلیتاریسم و سلطه طلبی آشکاری که اینک بر زندگی و هستی میلیونها انسان سایه افکنده و غیره، غیره و غیره؛ تنها مصائب بلافاصله

مقدمه ای بر جنبش ضد جنگ در آلمان

جنبش وسیع را روشن سازند، سعی می‌کنیم در حد توان به بررسی جنبش ضد جنگ در آلمان بپردازیم.

در این نوشته خواهیم کوشید در قدم اول با اشاراتی مختصر به اخبار جنبش ضد جنگ (در مقاطع قبل، آستانه و ادامه جنگ خلیج) ملاحظاتی به ترکیب نیروهای شرکت کننده در آن داشته باشیم. در قدم بعد سعی می‌کنیم مطالبات و خواسته‌های گوناگون جریان‌ها دخیل در این جنبش، از تشکلهای چپ، نیروهای نیمه متشکل و عناصر منفرد تا احزاب اپوزیسیون رسمی و کلیساهای را بطور مختصر مورد ملاحظه قرار دهیم. در عین حال می‌کوشیم موضع محافل دولتی و رسمی آلمان نسبت به این جنبش و حملات تبلیغاتی آنان بر علیه اعتراضات ضد جنگ را بیان کنیم. در ادامه با مروری بر تاریخچه جنبش صلح در آلمان، مراحل مختلف تاریخی این جنبش و مسائلی که همواره با آنها دست به گریبان بوده است را طرح می‌کنیم تا بتوانیم در پرتوی آن درک عمیقتری نسبت به چگونگی و نشوونمای این جنبش از زمان پیدایش آن تاکنون بدست آوریم. در انتها تلاش می‌کنیم نقاط قوت و ضعف این جنبش و نیز چشم انداز حرکت آن را ترسیم نمائیم.

۴ فوریه ۱۹۹۱

۱- توضیح تحریریه پیش :

مطلبی تحت نام " جنبش ضد جنگ در آلمان، نیروهای ترکیبی، مطالبات، نقاط ضعف و قوت و چشم انداز آن" به ضمیمه تاریخچه مختصری درباره جنبش صلح آلمان از ۱۹۵۰ تاکنون توسط یکی از رفقا برای چاپ در پویش تدوین شده بود که به سبب مفصل بودن آن، تصمیم گرفتیم آنرا به صورت جزوه جداگانه منتشر کنیم. با این وجود به دلیل اینکه طی مراحل فنی (تایپ، صفحه بندی و چاپ) آن به مدت زمانی نیاز دارد، ضروری دیدیم تا مقدماتی که بر این مقاله نوشته شده را در این شماره نشریه به چاپ برسانیم.

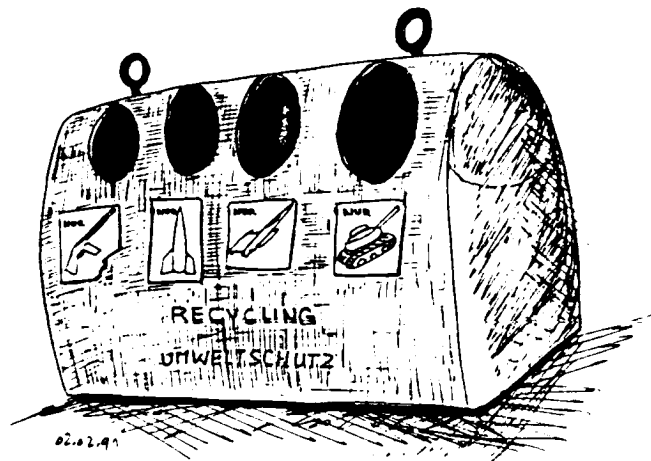
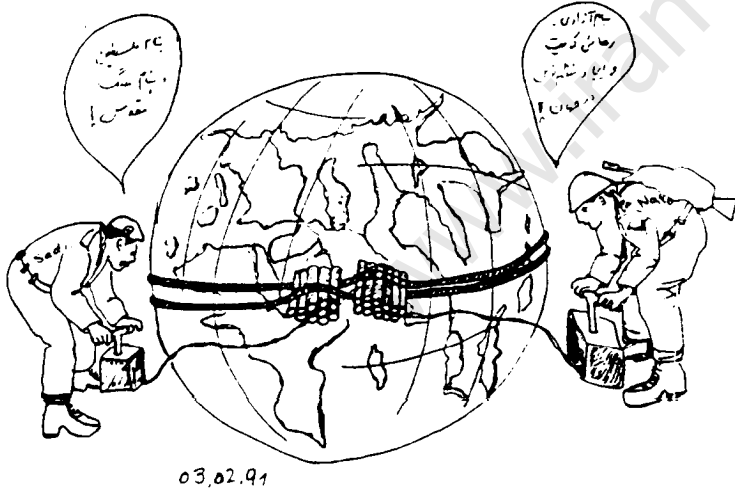
لازم به ذکر است، رفقای توزیع کننده نشریه، بعد از چاپ این مقاله، آنرا برای مشترکین پویش، ارسال خواهند نمود، به این جزوه مارک خواهد بود و علاقمندان می‌توانند برای دریافت آن با آدرس کمیته همسنگی مکتبه نمایند.

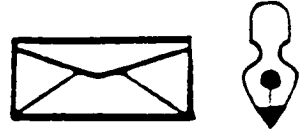
و مقامات امنیتی دول سایر کشورها به پیش برده میشود، نمیتوان در مورد این جنبش جهانی و زوایا، ابعاد و جوانب گوناگون آن ارزیابی همه جانبه، در خور و شایسته‌ای ارائه داد. برای مثال اخبار اعتراضات و جنبشهای ضد جنگ یا در روزنامهها و رسانهها انعکاس نمی‌یابند و یا آنچنان در حاشیه قرار داده میشوند که به هیچوجه گویای عظمت و تنوع آنها نیست. در حالیکه تظاهرات چند دهه یا حداکثر چند صد نفره موافق جنگ (که غالباً از سوی احزاب حاکم در آلمان فراخوانده و یا پشتیبانی میشوند) را مرتباً با آب و تاب و تقریباً در تمامی ساعات پخش اخبار از رادیو و تلویزیون به خورد مردم میدهند، تظاهراتی چند ده هزار نفری در آلمان، صرفاً انعکاسی جزئی می‌یابند و اخیراً حتی خبری نیز از ادامه تظاهراتی چند هزار نفری که همزمان و مرتباً در شهرها و مناطق مختلف آلمان صورت می‌گیرد، در رادیو و تلویزیون پخش نمیشود. همچنین از چند و چون، کم و کیف و مطالبات و خواسته‌های شرکت کنندگان در تظاهراتها و آکسیونهای گسترده و با اهمیتی که در آمریکا، سایر کشورهای اروپایی، آمریکا لاتین و ژاپن بوقوع می‌پیوندد، مطلبی در نشریات آلمان درج نمیشود و حداکثر در گوشهای به زکر برگزاری این تظاهراتها بسنده میگردد.

این محدودیتها در مورد کشورهای آسیایی به مراتب شدیدتر است و آنجایی هم که مردم این کشورها، توانستند از سد مقامات حاکم بر این کشورها عبور کرده و اعتراضی خود را نسبت به این جنگ ابراز نمایند، هم توسط مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی رسمی اروپایی و هم توسط رسانهها و دولت مردان این کشورها، حرکات اعتراضی مردم یا به جانبداری از دولت عراق جا زده میشود و یا به جریان‌های اسلامی و ناسیونالیسم عرب منسوب میشوند و سعی در مسخ نمودن آنها دارند. کفایت در این باره به حرکتی چون راهپیمایی ۱۰۰ هزار نفری کارگران ترکیه (زنگولداک) اشاره کنیم که در عین راهپیمایی بر علیه جنگ اخیر نیز شعار میدادند، تا نشان داده باشیم که حرکات اعتراضی از این قبیل عملاً انعکاس نمی‌یابند.

با توجه به تمامی این سانسورها و محدودیتها و با توجه به اینکه به منابع و اطلاعات دقیقی درباره مجموع حرکات اعتراضی بر علیه جنگ در سایر نقاط جهان دسترسی چندانی نداریم، به ناچار خود را در حیطه جنبش ضد جنگ در آلمان محدود می‌کنیم، هر چند تا آنجا که ممکن است اشاراتی نیز به سایر کشورها خواهیم داشت. از این رو به امید اینکه کسان دیگری نیز در سایر کشورها همگام با ما ابعاد دیگری از این

جنگ ویرانگر اخیر از زاویه نگرش جوزعلی





نامه های رسیده

رفقای دست اندرکار تهیه نشریه "بیک کارگری" نشریه شماره ۶ بمستان رسید. با تشکر از شما برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

سازمان دانشجویان ایرانی - هلند (هوادار چریکهای فدائی خلق ایران) نامتان را دریافت کردیم. از لطفتان متشکریم.

دست اندرکاران تهیه "دفترهای کارگری سوسیالیستی" نشریات ۱ و ۲ شما را دریافت کردیم. از لطفتان ممنونیم.

رفقا و دوستان مشکل در فراسوین شوراها پناهندگان ایرانی، شماره‌های ۱۲ و ۱۵ همبستگی را دریافت کردیم. ضمن سپاسگزاری از شما خواهشمندیم برای تماس مجدد با ما به آدرس جدیدمان توجه کنید، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

رفیق عزیز محمد نجار از ترکیه نامه و قطعه ایی شما بمستان رسید. از لطف و توجه شما بسیار سپاسگزاریم. از اینکه نظرتان را به کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران نزدیک می‌بینید و خواهان همکاری با ما هستید، بسیار خرسندیم، و از تمایل شما نسبت به همکاری با نشریه پیش کمال استقبال را می‌کنیم.

ما به طور جداگانه نامهای در جواب به مطالبتان به آدرس شما ارسال خواهیم نمود. موفق و سرافراز باشید.

رفقا و دوستان مشکل در انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - ونکوور (کانادا)، نامه و اسامنامه انجمن شما، به همراه مبلغ ۵ دلار - کانادا بمستان رسید. از لطف شما سپاسگزاریم، از اینکه با نگرش این نامه رابطه متقابلی بین ما پدیدار شد، بسیار خرسندیم و امیدواریم این رابطه از عمق و وسعت هر چه بیشتری برخوردار شود.

همانگونه که خواسته بودید، نشریه پیش مرتبا" و اسامنامه و منشور کمیته همبستگی در اسرع وقت برایتان ارسال خواهد شد.

رفقای کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه، نامه و نشریه شماره ۲۴ شما بمستان رسید، از شما ممنونیم. از اینکه من بعد می‌توانیم مستقیماً با آدرس ترکیه با شما تماس حاصل نمائیم، خرسندیم قابل ذکر است که ما تاکنون مرتبا" شماره‌های مختلف نشریه پیش را به آدرس بلژیک شما ارسال کرده‌ایم، اما متأسفانه (به استثنای یک شماره) اطلاع حاصل نمودیم که آیا آنها بدست شما رسیده‌اند یا خیر، لطفاً - ما را در این باره مطلع سازید.

رفیق عزیز کیوان طالب مستند و بسیار با ارزشی که برلین ارسال نمودید، به همراه نامه‌هایتان بمستان رسید. از احساس مسئولیت، صمیمیت و تلاش شما فوق العاده سپاسگزاریم. امیدواریم که همواره در روند کار و ارتقاء کمی و کیفی پراتیک آیندگان از مطالب و نظرات شما بهره‌مند گردیم.

لطفاً ما را از دریافت نامه و نشریات کمیته همبستگی ... مطلع‌سازید.

رفقا و دوستان مشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان، نامه شما به همراه پیام شورا شماره ۴۱ بمستان رسید. از اینکه مجدداً از شما نامهای دریافت داشتیم بسیار شادمان هستیم. ضمن آرزوی موفقیت روز افزون برای شما عزیزان، امیدواریم که همچنان رابطه‌مان از عمق و وسعت بیشتری برخوردار گردد.

لطفاً ما را از دریافت نامه، نشریات و کله مالی ارسالی از طرف کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران مطلع نمائید.

رفقا و دوستان مشکل در جمعیت پناهندگان و آوارگان ایرانی- ترکیه، نامه و نشریه اتحاد شماره ۷ شما بمستان رسید. از لطف شما فوق العاده سپاسگزاریم. در رابطه با نامهای که برایمان فرستاده بودید، ما نیز با ارسال نامهای برای سازمان مورد نظر، بر روی درخواست شما تاکید نمودیم.

با آرزوی اینکه بروسه همکاریها و گامهای مشترکان از استحکام و دوام بیشتری برخوردار گردند، از شما خواهشمندیم ما را از دریافت نامه، نشریات و کله مالی ارسالی از طرف کمیته همبستگی ... مطلع نمائید. ضمناً جهت تماس مجدد با ما به آدرس جدیدمان توجه کنید.

دوست گرامی بهمن - ب هر دو نامه شما را دریافت کردیم. خوشحالم که مبلغ ناچیز ارسالی از طرف ما اندکی زخم‌هایتان را التیام داده است. امیدواریم با پشتکاری خود و خانواده تان و همچنین یاری دیگر همسرود انتان مشکلات زندگی را به زانو در آورید، شاد و بهروز باشید.

دوست گرامی س از گلن، نامتان را دریافت کردیم، از شما متشکریم. با درخواستستان شماره ۱۴ نشریه پیش را به آدرس جدیدتان ارسال نمودیم و از این به بعد نیز نشریات را به آدرس مورد نظر پست خواهیم نمود.

بقیه از صفحه ۲۴ گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

این وضعیت فلاکت‌بار زندگی، که مستمراً با افزایش قیمت‌ها و تنزل قدرت خرید کارگران همراه است، در ماه‌های آخر سال ۹۰ منجر به اعتصابات کارگری چشمگیری شده است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

- بنا به گزارش روزنامه حریت (۹۰/۱۱/۲۱)، ۴۷۵۲ کارگر در ۲۸ - مرکز صنعتی دست به اعتصاب زدند و ۵۶۰۹۱ کارگر در ۳۵ محل صنعتی خود را برای اعتصاب آماده می‌کنند.

- کارگران سندیکای صنایع فلزی ترکیه (MESS)، کارگران سندیکای صنایع آهن (Özdeir - iş)، کارگران صنایع فولاد (Çelik - iş)، کارگران سندیکای فلزات ترکیه (Türk - metal) و کارگران صنایع اتوموبیل

بخش شد، مشخص گردید، علیرغم کار شاق و طاقت فرسای کارگران معدن، دستمزد خالص دریافتی آنان با توجه به نوع کار، تخصص و ۰۰۰ از ۲۷۰ هزار لیر تا ۵۰۰ هزار لیر در ماه بوده است. در این باره یک کارگر معدن اعلام کرد که علیرغم اینکه وی جزء کارگران متخصص داخل معدن محسوب می‌شود و بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارد، دستمزد او روزانه ۱۸ هزار لیر می‌باشد که پس از کسورات مختلف از آن (مثل بیمه و مالیات و...) حقوق دریافتی ماهانه وی تقریباً ۴۰۰ هزار لیر می‌باشد.

این میزان دستمزد در شرایطی است که طبق محاسبه روزنامه ملیت ترکیه (مورخه ۱۹۹۰/۱۰/۱۵) حداقل هزینه ماهانه یک خانواده ۴ نفری در ترکیه



صحنه ای از راهپیمایی ۱۰۰ هزار نفری کارگران زونگولداک: جنگ خلیج جنگ ما نیست - جنگ ما با اوزال است، یکی از شعارهای این راهپیمایی بود.

وابسته به سندیکای (Otomobil - iş) پس از عدم توافق با کارفرمایان در ارضای قرارداد دست جمعی، تصمیم به اعتصاب گرفتند. اعتصابات از ۲۶، ۲۷، و ۲۸ ماه دسامبر آغاز شد. در این اعتصابات ۱۱۲ هزار کارگر در ۲۶۱ مرکز کارگری شرکت داشتند.

از تاریخ ۲۵/۱۲/۹۰ کارگران سندیکای صنایع کابل، کارگران مرکز صنعتی DEMIR SAĞ (صنایع آهن) در شهر "kocaeli" دست به اعتصاب زدند که با احتساب کارگران دیگری که در این شهر در اعتصاب بودند، تعداد اعتصابیون این شهر به ۱۰۷۹۰ نفر رسید. (روزنامه جمهوریت مورخه ۹۱/۱/۵)

بدون احتساب پوشاک، تفریح، مسافرت، هزینه‌های پزشکی، سیگار و مشروب مطابق با مبلغ ۱۱۶۹۴۱۵ لیر می‌باشد.

برای روشن شدن شرایط طاقت فرسای کارگران ترکیه به آمار مقایسه‌ای کمیتر روزنامه "Sahah" مورخه ۱۴/۱۲/۹۰ درج شده، اشاره می‌کنیم. طبق آمار این روزنامه:

یک کارگر معمولی ترکیه برای تهیه یک کیلو نان ۴۶، کارگر آمریکایی ۷ و کارگر آلمانی ۱۱ دقیقه کار می‌کند. یک کارگر معمولی ترکیه برای تهیه یک کیلو گوشت ۵۳۰، کارگر آمریکایی ۱۴ و کارگر آلمانی ۶۰ دقیقه کار می‌کند. یک کارگر معمولی ترکیه برای تهیه یک تلویزیون ۲۴۷۰، کارگر آمریکایی ۳۰، کارگر آلمانی ۸۹ ساعت کار می‌کند.

گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

از جانب یکی دیگر از کفدراسیونهای کارگری ترکیه به نام "هاک - ایش" (Hak - İş) مورد پشتیبانی قرار گرفت . هدف اصلی این اعتصاب دادن هشدار به دولت جهت توجه و بهبود وضعیت کارگران ، لغو قوانین موجود بر علیه اعتصابات عمومی کارگری (۲) ، - نشان دادن قدرت همستگی کارگران به دولت (و سرمایه‌داران) و همچنین اعلام همستگی با کارگران زونگولداک اعلام شد . بعد از فراخوان به اعتصاب که در هفته آخر سال ۹۰ صورت گرفت ، دولت اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد و با استفاده از مراجع قضائی و دستگاههای تبلیغات جمعی خود علیه ترتیب دهندگان اعتصاب و همچنین کسانی که

کارگران معادن نغال سنگ زونگولداک در این اثناء اقدام به يك اعتصاب گسترده و با شکوه می‌کنند . این اعتصاب در پی به بن بست رسیدن مذاکرات طولانی بین سندیکای کارگران معادن نغال سنگ زونگولداک با دولت بر افزایش دستمزدها و عقد قرار داد دست جمعی ، از تاریخ ۳۰/۱۱/۹۰ بر پا میشود . در مذاکرات مذکور سندیکا خواستار پرداخت حد متوسط خالی ماهانه ۱/۵ میلیون لیر به معدنچیان بود که دولت با آن موافقت نکرد . دستمزد پیشنهادی دولت کمتر از ۵۰۰ هزار لیر خالی ماهانه بود . دولت از طرق مختلف از قبیل تهدید به بستن معادن ، اخراج کارگران و ۰۰۰ به ارباب کارگران پرداخت ،



زنان نه تنها در اعتصاب عظیم کارگران معادن زونگولداک فعالانه شرکت کردند، بلکه در راه - پیمائی ۱۰۰ هزار نفری به سمت آنکارا نیز نقش مهمی بر عهده داشتند .

آن شرکت می‌کند به تهدید و ارباب پرداخت ، ولی کارگران و زحمتکشان به تبلیغات و تهدیدات واقعی نگذاشتند . طبق آمار ارائه شده از جانب کفدراسیون " ترک - ایش " تقریباً ۱/۸ میلیون نفر و طبق آمار ارائه شده از سوی روزنامه " ULUS " بیش از ۱/۵ میلیون نفر در این اعتصاب عمومی و سراسری شرکت کردند . در زیر برخی از اخباری که در این رابطه در روزنامه‌های گوناگون ترکیه انتشار یافته‌اند را می‌آوریم :

⑤ " ۸۰ درصد کارگران در استانبول ، ۹۰ درصد در از میر و تعداد زیادی از کارگران در سراسر کشور در اعتصاب شرکت کردند . " روزنامه " گوش " (۹۱/۱/۴)

⑤ در استانبول ضمن توقف کلیه خدمات شهرداری ، در بخش کارخانجات

اما در گامهای بعدی با پرداخت حقوق ۱/۵ میلیون لیر بطور متوسط در ماه موافقت کرد . البته با این شرایط (!!) که از این مبلغ ۱/۰۶۳/۰۰۰ لیر کسر شود . در واقع امر از مبلغ ۱/۵ میلیون لیر تنها ۴۳۷ هزار لیر خالی به دست کارگران می‌رسید ، این اجحاف مورد موافقت سندیکا قرار نگرفت و سرانجام با بن بست مذاکرات ، کارگران بعد از ۳۵ روز اعتصاب ، اقدام به يك راهپیمائی اعتراضی گسترده و کم نظیر از میما زونگولداک تا آنکارا (یعنی مسافت ۲۸۰ کیلومتر) کردند . در ادامه این گزارش بر روی چگونگی این راهپیمائی مکت خواهیم کرد .

يك روز قبل از راهپیمائی عظیم کارگران زونگولداک ، کفدراسیون کارگری " ترک - ایش " (Türk - İş) در اعتراضی به تورم فزاینده ناسامانیهای معیشتی کارگران و پائین بودن دستمزدها ، کارگران را به يك اعتصاب عمومی یکروزه در تاریخ ۳/۱۱/۹۱ فرا خواند . فراخوان این کفدراسیون

گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

به نمایش گذاشتند. در این تظاهرات که بالغ بر ۵۰ هزار تن شرکت کرده بودند، شعارهایی به جانبداری از اعتصاب عمومی و سراسری کارگران ترکیه و علیه آخرین نظرات دولت در خصوص معدنچیان داده شد. آنها همچنین بر روی مادیت بخشیدن به تصمیم خود (راهپیمایی بسوی آنکارا) تاکید نمودند. در این تظاهرات شعارهای زیر جلب نظر می‌کردند:

"می‌آئیم در حالیکه زنجیرهای خود را پاره کرده‌ایم هی، می‌آئیم در حالیکه بر سر حکومت ضربه می‌زنیم، هی"، "زنده باد کارگر"، "زنده باد اعتصاب عمومی"، "زنده باد مقاومت ۳ ژانویه". بعلت تراکم و شرکت فوق‌العاده مردم در این تظاهرات، بتدریج انتها و ابتدای گروه عظیم تظاهرکنندگان در شهر به هم متصل شد. کارگران از طرف جمعیت اتبوه مردم شهر که با دست زدن و هلهله، آنها را تشویق می‌کردند، مورد پشتیبانی قرار گرفتند. بعد از ۴ ساعت راهپیمایی کارگران بسوی مقر سنديکای کارگران معدن رفتند. در آنجا رهبر سنديکا "شمسی دنیزر" طی سخنانی گفت: "حکومت بجای پرداخت معاش بیشتر با استفاده از تلویزیون سعی در مفسر جلوه دادن ما دارد، حکومت دروغگو است و سعی در گول زدن مردم دارد".

در این میان نیروهای دولتی و امنیتی به تکاپو افتادند و هر کدام به نحوی اقدام و تصمیم کارگران را محکوم نمودند. نخست وزیر ترکیه (اکولوت) گفت: "دلایلی برای این حرکت وجود ندارد، آنها بجای راهپیمایی بیاید با من مذاکره کنند، من آماده مذاکره با آنها هستم".

فرماندار آنکارا گفت: "به هیچوجه به کارگران اجازه ورود به آنکارا و راهپیمایی داده نخواهد شد." شهربانی آنکارا به حالت آماده باش کامل نظامی در آمد، هتلها و مسافرخانهها، جادههای اطراف و هرگونه ترددی شدیداً زیر کنترل گسترده پلیس و نیروهای نظامی قرار گرفت.

نیروهای انتظامی در کلیه جادههاشک به زونگولداک ختم می‌شدند، مستقر شدند و کلیه اتوموبیلها در مسیر زونگولداک مورد بازرسی و تفتیش قرار گرفتند. شهر زونگولداک از سوی نیروهای نظامی کاملاً به محاصره در آمد. کلیه پرسنل پلیس شهرها و شهرکهای بین راه موظف شدند به هر وسیله ممکن مانع راهپیمایی کارگران گردند و تعداد زیادی نیروی تقویتی پلیس از سایر شهرها، به مراکز پلیس در شهرهای مسیر راهپیمایی اعزام شدند. از سوی دیگر نیروهای تقویتی پلیس از سایر شهرها وارد آنکارا شدند و منطقه جانکایا در آنکارا (نقطه‌ای که در آن کاخهای ریاست جمهوری و نخست وزیری واقع شده و قرار بود کارگران بعد از ورود به آنکارا در آن محل حضور بهم رسانند)، به عنوان منطقه ممنوعه اعلام شد. در جادههای ورودی به آنکارا موانع زیادی ایجاد شد و خیابانهای منتهی به جانکایا مسدود شدند. پلیس و نیروهای انتظامی و خودروها و زرهپوشها در سراسر نقاط حساس آنکارا مستقر شدند.

با وجود همه این اقدامات و ترفندها کارگران بر عزم راسخ خود بافشردند. قلاً قلاً قرار بود، حرکت کارگران بسوی آنکارا توسط وسایل نقلیه صورت گیرد

و صنایع دولتی و خصوصی نزدیک به ۹۰ درصد کارگران در اعتصاب شرکت کردند. کلیه خدمات شهرداری از جمله اتوبوسها، جمع‌آوری زبالهها، خدمات آب و کانالیزاسیون متوقف شد.

در ازبیر از ۲۵۰ هزار کارگر، ۲۴۰ هزار نفر در اعتصاب شرکت کردند. حمل و نقل فلج شد. کارگران شهرداری و کارگران ۴۷ سنديکا تقریباً بطور کامل در اعتصاب شرکت کردند.

در کوچاغلی نزدیک به ۸۰ درصد کارگران در بخش صنعتی به اعتصاب پیوستند. تعداد اعتصابیون بخش خصوصی بیشتر از بخش دولتی بود. علاوه بر این در شهرهای آنکارا، گولجولک، اسکی‌شهر - کوتاهیه، آدانا، قهرمان ماراش، مالیاتیا، موسین، فاضی آنتپ، سامسون، اردو، سینیوپ، چوروم، جانکیری، تکیرداغ، ساکاریا، بولو، دوزجه، زونگولداک، قیصریه، آنتالیسا، طرابزون، کیرسون، آرتوین، باتمان، قوسه، ارز روم، مباریکره، وان و چندین شهر دیگر درصد بالایی از کارگران در اعتصاب شرکت کردند.

علاوه بر این اعتصابات سراسری، موج گسترده‌ای از حمایت‌های مردمی درجانبنداری از اعتصاب عمومی کارگران، سراسر ترکیه و بخصوص استانبول را فرا گرفت. در این میان کلیه کتابفروشیها و کتابخانهها در آنکارا برای اعلام همستگی با اعتصاب محلهای کار خود را تعطیل کردند. اکثر اساتید دانشگاه خاورمیانه آنکارا با عدم شرکت خود در کلاسهای درس همستگی خود را با کارگران اعلام نمودند. در بسیاری از باشکدههای آنکارا، دانشجویان اجتماعاتی در همستگی با اعتصابیون برپا نمودند که برخی از این تجمعها به برچورد و زدوچورد با پلیس انجامد و در جریان آن چندین نفر بازداشت شدند. برخی از کارمندان دولتی، وکلا و دکترها با عدم حضور در محل کار، راهپیمایی و مسدود بیانیهای از اعتصاب کارگران حمایت کردند.

در بخشهای کارگرنشین استانبول بعضی از اصناف با بستن دکانهای خود با کارگران اعلام همستگی نمودند که بعضاً با عکس العمل پلیس و نیروهای زاندارمری روبرو شدند. بنا به گزارش روزنامه "جمهوریت" مورخه (۹۱/۱/۴) در این میان يك کارگر تولید پوشاک زخمی و سه بیمارستان منتقل شد. بطور کلی در این جریانها ۵۰۰ تن در سراسر کشور به علت برپائی تظاهرات دستگیر شدند که ۳۴۰ مورد از این دستگیرها در استانبول صورت گرفت.

راهپیمایی گسترده و باشکوه کارگران معدن زونگولداک

حدود ۴۳ هزار کارگر معدن زونگولداک بعد از ۲۵ روز مقاومت و همستگی کم نظیر و اعتصاب، به سبب بی‌توجهی دولت نسبت به خواستههایشان تصمیم به يك راهپیمایی و مارش اعتراضی از شهر خود به مقصد آنکارا گرفتند. روز ۳ ژانویه یعنی یکروز قبل از روزه اعتراضی کارگران زونگولداک به سوی آنکارا و همزمان با اعتصاب عمومی و سراسری کارگران ترکیه، در محلات و خیابانهای شهر کارگران در صفوف متشکل اقدام به تظاهرات کردند و عزم و اراده خود را برای به اجرا در آوردن تصمیمشان (راهپیمایی بسوی آنکارا)

گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

کارگران را جهت مذاکره به آنکارا دعوت می‌کند. رهبر کارگران گفت: چون پیشنهاد جدیدی از سوی دولت ارائه نشده، یکصد هزار کارگر راهپیمایی خود را ادامه می‌دهند. در مسیر راهپیمایی کارگران مورد استقبال اهالی روستاهای بین راه قرار گرفتند و روستاییان با رساندن آتوقه و جانبازی از آنان هستگی خود را با خواسته‌های کارگران ابراز نمودند. پس از ۲۵ کیلومتر راهپیمایی کارگران به شهرک "دورک" (Devrek) رسیدند و برای استراحت، اقامه حرکت تا سحرگاه فردا متوقف شد. شب هنگام در این شهرک مردم از کارگران پذیرایی جانانطای به عمل آوردند: از خانقها سیل عطا و از نهول خانقها و سالنهای عقد سیل صندلی به طرف کارگران روانه شد. اهالی از کارگران دعوت

اما بدلیل مانعیت دولت از ورود اتوبوسها به داخل شهر و اخطار به صاحبان شرکتهای مسافربری این امر به وقوع نپیوست. اما کارگران این بار تصمیم گرفتند با پای پیاده این مسافت ۲۸۰ کیلومتری را در سرمای زمستان از میان برف، باران، سنگ و خاشاک تا مقصد آنکارا بپیمایند. در ساعت ۹/۳۰ باعداد روز ۴ ژانویه ۱۹۹۱، مسئول سندیکا در حالیکه در پیشاپیش راهپیمایی قرار داشت با گفتن این جمله که "وسایل نقلیه ما را توقیف کردند اما ما تا آنکارا راهپیمایی خواهیم کرد" آغاز حرکت را اعلام نمود و در این هنگام صف ۳ کیلومتری کارگران و بستگانشان (در این میان زنان نقش بسیار ارزندهای به دوش داشتند)، شامل ۱۰۰ هزار نفر به حرکت درآمد.



می‌کردند تا شب را در خانمهایشان و در کنار آنها بگذرانند. فریادهای مردم شهرک که صبحانه از گلو خارج میشد که "۱۰ نفر به خانه ما"، "۵ نفر به خانه ما"، چه شیرین و روحیه دهنده بود، رستورانها تا صبح باز بودند. در ساعت ۲۳/۲۰، نخست وزیر تلفنی با رهبر سندیکای کارگران معدن گفتگو کرد، پس از این گفتگو، رهبر معدنچیان اعلام کرد که نخست وزیر پیشنهاد ملاقات با وی کرده است و از آنجایی که پیشنهادهایی علاوه بر موارد قبلی ارائه خواهد داد، فردا ساعت ۱۲ در بولو (Bolu) - در مسیر زونگولداک - آنکارا) با وی ملاقات خواهم کرد.

در روز دوم راهپیمایی نیروهای انتظامی با مسدود کردن راه کارگران به آنها اجازه ادامه حرکت ندادند. بر اثر مقاومت و هوشیاری کارگران و تهدید رهبر سندیکا که "اگر راه باز نشود با نخست وزیر ملاقات نخواهم کرد" بالاخره کارگران موفق به کنار زدن نیروهای نظامی و استمرار حرکت خود شدند. مجدداً پس از پیمودن بخشی از مسیر، کارگران با دومین سد نیروهای نظامی روبرو شدند. در این میان طی توافقی که بین نیروهای دولتی و نماینده کارگران پیش آمد، قرار شد کارگران ۱۰ کیلومتر دیگر به راهپیمایی خود ادامه دهند و در آنجا متوقف شده و منتظر نتیجه مذاکره نماینده کارگران با نخست وزیر شوند.

و بدینسان راهپیمایی تاریخی ۱۰۰ هزار نفری کارگران و خانواده آنان به وقوع پیوست.

یکی از شعارهایی که در آغاز راهپیمایی ابراز شد، شعار "غفو عمومی اعلام باید کرد، زندانها خالی باید کرد. کارگر زونگولداک نگهبان دموکراسی است" بود.

در این میان نغمه سازش از سوی رئیس کفدراسیون "ترک - ایش" به گوش رسید. او از کارگران خواست راهپیمایی خود را به تمویق بیانزدند و اضافه کرد، اگر حادثهای در حین راهپیمایی کارگران پیش بیاید، موفقیت اعتصاب سراسری روز ۳ ژانویه از بین خواهد رفت. اما در جواب وی رهبر کارگران معدن گفت: رئیس "ترک - ایش" خودش یکی از موانع بزرگ در مقابل کارگران است. درخواست فوق از جانب وی، غیر مترقبه نیست. او کسی است که ذهنیت و تفکر با حکومت را ندارد. به همان نسبت که "تورکورت اوزال" - سبب ۱۰ سال تنگدستی کارگران است او نیز در این تنگدستی و بی حقوقی ما نقش دارد. او کسی نیست که بتواند چیزی به طبقه کارگر بدهد.

در پی این موضع قاطع کارگران، رئیس کفدراسیون "ترک - ایش" از سخنان قلبی خود عقب نشست. و در يك کفراسی مطبوعاتی اعلام کرد که "ترک - ایش" بطور کامل از راهپیمایی کارگران پشتیبانی می‌کند.

در ساعت ۱۳، بولتن خبری رادیو تلویزیون اعلام کرد که نخست وزیر، رهبر

گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

در این هنگام رهبر سندیکا گفت: " ما همیشه خواستار تفاهم بین ما، برای رسیدن به یک تفاهم پنج روز است با وجود سرما و خستگی و کسنگی در جاده هائیم و اگر لازم باشد ۵۰ روز دیگر هم خواهیم ماند. شما یک حماسه پر افتخار آفرینید، همه دنیا از عزم و اراده شما درس آموختند، به شما افتخار می‌کنم، شما به من رهبر بزرگ می‌گوئید ولی خودتان بزرگترین هستید. دیروز وقتیکه ما در خواب بودیم رفقایمان را دستگیر کردند، می‌خواهند هرج و مرج بوجود بیاورند. شما نشان دادید که ضد دموکراسی در ترکیه چه کسانی هستند! همه زحمتکشان ترکیه به شما افتخار می‌کنند، من ۳ روز نخواهم بود، شما هم به زونگولداک برگردید. اگر نتوانیم با دولت به تفاهم برسیم، این بار با شدیدترین شکل ممکن حرکت خود را ادامه خواهیم داد، اینجا برای احقاق حقوق خود آمدیم، کارگران! ما صدای خود را به گوش جهانیان رساندیم، شما به تاریخ پیوستید، به شما افتخار می‌کنم."

پس از این سخنان کارگران در اتوبوسها و اتوبوسهایی که از زونگولداک آمده بودند، سوار شده و مراجعت کردند.

در هنگام ورود کارگران به شهر، اهالی شهر در مسیر ورودی آنها تجمع کرده و فریاد می‌زدند که به شما افتخار می‌کنیم (۳).

بنا به گزارش روزنامه "دی تاگرتایتونگ" (مورخه ۱۴/۱/۹۱) کارگران

بعد از بازگشتن از این راهپیمایی همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند و در سر کارهایشان حاضر نشدند.

تا هنگام درج این گزارش از نتیجه مشخصی مذاکره نهایی بین مسئولین دولتی و رهبر سندیکای کارگران معین و چگونگی آن اخباری به دست ما نرسیده است. بعد از دریافت خبر نتیجه را در نشریه پوش شماره ۱۶ به اطلاع خوانندگان گرامی خواهیم رساند.

یادداشتها:

۱- ZONGULDAK (زونگولداک) در شمال ترکیه و کنار دریای سیاه واقع شده است و تا آنکارا ۲۸۰ کیلومتر فاصله دارد.

۲- براساس ماده ۲۸۲۴ قانون کار ترکیه "حق اعتصاب برای کارگران زمانی موجه خواهد بود که مذاکرات آنها برای عقد قرار داد دسته جمعی که همه ساله با کارفرمایان انجام میشود به تفاهم نیانجامد و قرار داد عقد نشود." با توجه به اینکه در هر محل کار، کارگران آن مرکز، بطور جداگانه با کارفرمایان مربوط به صنف خود قرار داد جمعی می‌بندند بنابراین حق اعتصاب عمومی کارگران در تمامی رشتهها و صنف از آنان سلب می‌گردد، یکی از مطالبات اعتصاب عمومی لغو این قانون بوده است.

۳- اطلاعات مندرج در این گزارش غالباً از روزنامههای ملیت و جمهوریت ترکیه مورخه ۱۹۹۱/۱/۹ اقتباسی شده‌اند.

در این میان تنابیر امنیتی شدیدی در مسیر راه به ویژه در شهر "MENGEN" که مسیر راهپیمایی از آنجا می‌گذشت رعایت میشد. و نیروهای انتظامی و ارتش کلاً مراقب اوضاع بودند. نماینده کارگران بعد از مذاکره خود به کارگران اطلاع داد که نخست وزیر از وی خواسته در وهله اول راهپیمایی متوقف شود و سپس مذاکره ادامه یابد. کارگران در جواب گفتند: "می‌بریم، بر نمی‌گردیم" حوالی شب مسئولین سندیکا تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند، جهت جلوگیری از درگیری با نیروهای انتظامی یکی - دو روز ادامه راهپیمایی به تعویق افتد.

در ساعت ۸ صبح روز سوم راهپیمایی کمیته اعتصاب تشکیل جلسه داد. در این حال زنان فریاد می‌زدند "مرگ هست، برگشت نیست"، "می‌آئیم در حالیکه زنجیرها را پاره می‌کنیم، می‌آئیم در حالیکه بر سر دولت ضربه می‌زنیم هی"

"۱۰ سال است که گرسنه‌ایم، ۱۰ روز دیگر گرسنه می‌مانیم." سؤال سندیکا از جمعیت تنها کرد که صبر پیشه کند و راهپیمایی را متوقف نمایند اما با جواب منفی روبرو شد. کارگران در حالیکه صفوف خود را بطور منظمی متشکل کرده بودند بطرف مانعی که توسط پلیس در ۸ کیلومتری شهر Mengen ایجاد شده بود، با شعار "زنده باد مقاومت زونگولداک پر افتخار" شروع به حرکت کردند.

با توجه به اینکه همزمان با این راهپیمایی، جنگ بین نیروهای آمریکایی و متحدین آن با دولت عراق آغاز شده بود، ترفند جنگ مانند همیشه بصر علیه کارگران به سلاخی تبلیغاتی در دست دولت تبدیل شد. وزیر کار و تأمین اجتماعی ترکیه گفت: "دیگر شکل حادثه از راهپیمایی معدنچیان خارج میشود و به یک شورش تبدیل می‌گردد. در حالیکه دشمن قوی (منظور عراق) در درهای ترکیه قرار ندارد." نخست وزیر ترکیه گفت: "دیگر ادامه راهپیمایی مفومی ندارد و حکومت هیچ پیشنهاد جدیدی به کارگران ارائه نخواهد داد."

حوالی یک چهارم یک گروه از پلیس و ژاندارما به سوی معدنچیان تفرق کردند، فرماندهان پلیس در حالیکه در دستهایشان برگه‌هایی داشتند، شروع به قرائت اسامی برخی از کارگران نمودند و گفتند اینها باید بازداشت شوند. علیرغم مخالفت کارگران و ایجاد زنجیر حائل که بین نیروهای پلیس و جمعیت کارگری کشیده شده بود، نیروهای سرکوبگر به صف کارگران یورش بردند و ۲۰۰ نفر را بازداشت نمودند.

کارگران در این هنگام شعار می‌دادند: "مقاومت می‌کنیم، پیروز می‌شویم." در روز پنجم راهپیمایی، در ساعات اولیه صبح کارگران مقابل بنای شهرداری "Mengen" تجمع کردند و منتظر ماندند تا "شمسی دنیز" (Semsî Denizer) رهبر سندیکا بیاید و درباره پیشنهادهای دیروز دولت برایشان صحبت کند. کارگران شعار می‌دادند که "بالا رفتن قیمتها، ظلم، شکجه، این است دولت."

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

الونگی نفتی خلیج فارس و خطر نابودی حیات در آن !

هر روز برای مردم عراق فاجعه هیروشیما تکرار میشود

به گفته يك مقام دولت آمریکا نیروهای متحد تنها در روز اول جنگ بیش از ۱۸ هزار تن مواد منفجره بر روی عراق ریختند که این مقدار تقریباً برابر با قدرت تخریب بمب اتمی است که در جنگ جهانی دوم بر روی هیروشیما انداخته شد.

☆☆☆

فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس :

تعداد کشته شدگان در هنگام بمبارانهای عراق مسئله ما نیست !

مانفرد ایل " Manfred Opel " ، نماینده مجلس آلمان

از حزب سوسیال دمکرات و ژنرال سابق نیروی هوایی آلمان ، تعداد کشته شدگان بر اثر حملات هوایی آمریکا و هم پیمانانش به عراق را (در چهار روز بعد از آغاز جنگ) بیش از ۳۰۰ هزار نفر تخمین زد . وی گفت که متخصصین نظامی آمریکایی به او گفتند که تنها در بغداد بیش از ۱۰۰ هزار نفر توسط بمبارانهای هوایی کشته شدند . آقای ایل تأکید کرد که وی در جدیت و صحت این ارقام هیچگونه تردیدی ندارد !

این خبر در روزنامه دی تاگی تاساتیونگ مورخه ۱۹۹۱/۱/۲۳ به چاپ رسیده است . لازم به ذکر است که ژنرال شوارتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در خلیج فارس ، در پاسخ به سؤالات خبرنگاران پیرامون تعداد قربانیان غیر نظامی در حملات نیروهای آمریکایی و متحدین آنها ، بیان داشته است : " تعداد کشته شدگان در هنگام بمبارانهای عراق مسئله ارتش آمریکا نیست . "

☆☆☆

دعاخواست علیه سانسور جنگی در آمریکا

کپان ۱۳ ژانویه

۱۳ روزنامه نگار و نشریه خبری علیه دولت آمریکا شکایت کردهاند و اقدام وزارت دفاع برای محدود کردن مطبوعات از دسترسی به اخبار خلیج فارس را مغایر با مفاد قانون اساسی دانستند . این دادخواست در پی اقدام روز دوشنبه پنتاگون به منظور تشدید محدودیت در گزارش اخبار در دادگاه فدرال مانهاتان ارائه شده است . وضع کنندگان این محدودیتها گفتند که هنگام بروز جنگ ، خبرنگاران مجبور خواهند بود که اخبار را از منابعی که تحت نظارت ارتش است بدست آورند و کلیه گزارشها قبل از انتشار میباید توسط ارتش سانسور شود .

☆☆☆

رئیس فدراسیون " دوستان کره زمین " بنام اومبرتو داکس-ریز

در اسپانیا طی گزارشی اعلام کرد گسترش لکه بزرگ نفت خلیج فارس بدون در نظر گرفتن احتمال اینکه ممکن است به آتش کشیده بشود ، میتواند خلیج فارس را به يك " صحرای زیر آب " ، تبدیل کند که هیچگونه اثری از حیات در آن باقی نخواهد ماند .

☆☆☆

۱۰۰ کارخانه آلمانی ، بایکوت بین المللی بر علیه عراق را شکسته اند

Taz (۹۱/۱/۱۴)

بنا به اطلاعات مجله اشپیگل ، ۱۰۰ کارخانه آلمانی مورد سؤطن واقع شدند که قطعنامه سازمان ملل مبنی بر ممنوعیت صدور تجهیزات به عراق ، را زیر پا گذاشتند .

آلمان مقام دوم را در لیست سیاهی که توسط آمریکا تهیه شده و شامل اسامی ۵۰۰ کارخانه از ۵۰ کشور مختلف میباشد ، به خود اختصاص داده است .

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا ، در دیداری که از آلمان داشته است ، در زمینه زیر پا گذاشتن تحریم عراق توسط کارخانهای آلمانی ، اطلاعات دقیقی را ارائه داده است . آنچه که موجب نگرانی مقامات آمریکا در برن است ، بخصوص ارسال احتمالی هر نوع ککک توسط متخصصین شیمی در آلمان به عراق میباشد . کارخانه کارل کلب در هسن که احتمالاً در ایجاد يك کارخانه گاز سمی در عراق نقش داشته است ، برای ارسال وسایل کمکی به عراق نیز اعلام آمادگی کرده است .

کارخانه دیگر ، کارخانه تولید وسایل نقلیه راین - بایرن میباشد که در طی جنگ آزمایشگاه گاز سمی به عراق ارسال نموده و به گفته مقامات آمریکا ، این کککها به عراق از طریق عمان صورت گرفته است .

آزمایشگاه تسلیحاتی تافزان در هانوفر نیز مورد سؤطن است که به کککهای خود به عراق حتی بعد از تحریم عراق توسط سازمان ملل ، همچنان - ادامه داده و برای ارسال کشتیهای پر از اجناس به عراق مشغول برنامه ریزی بوده است . علاوه بر این آزمایشگاه فوق ، مشکوک به داشتن روابط با مؤسسات انرژی اتمی عراق در گذشته میباشد .

بنا به گزارش مجله اشپیگل ، سازمانهای جاسوسی آمریکا نه تنها سیستم مخابراتی کشورهای عربی در منطقه ، بلکه حتی سیستم ارتباطات سی کارخانهای آلمانی که مشکوک به داشتن رابطه با عراق بودند ، را نیز کنترل میکنند .

☆☆☆

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

آخرین خبرها به نقل از اخبار تلویزیون آلمان (برنامه اول ساعت ۲۰ مورخه ۱۵ بهمن) حکایت از آن دارند که سیل اخیر در تداوم خود باعث تخریب کامل ۱۵۰ شهر و روستا، بی‌خانمان گشتن بیش از ۳۰ هزار تن و قطع کامل ارتباطات زمینی در این منطقه گشته است. به گزارش مقامات رسمی در جریان سیل استان کرمان نیز ۳ تن در - کهنوج جان خود را از دست دادند. سیل در این استان به مسریم مناطق بردسیر، ماهان، گناباد، ساردوئیه جیرفت، سیرجان و خسارات زیادی وارد نموده است .

☆☆☆

مرگ و میر کودکان در ایران

کهان ۳ دی

دکتر محمد آرموده کارشناس مبارزه با بیماریهای وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی کشور در جریان برگزاری سومین کنگره سراسری تازمهای پیشگیری در طب اطفال که در دانشکده پزشکی ساری برگزار شد اعلام کرد: " هر ساله بیش از ۵ هزار کودک در ایران به علت ابتلا به بیماری کزاز جان خود را از دست میدهند." وی افزود "سالانه در جهان ۸۰۰ هزار نفر و در کشور ما روزانه ۲۷۵ نفر به علل مختلف جان خود را از دست میدهند که از این تعداد در کشور ۳۱۵ نفر یعنی حدود ۴۰/۶ درصد کودکان زیر ۵ سال میباشند." وی با ارائه آیین آماری گفت "در کشور ما برای هر ۲۷۵۰ نفر یک پزشک و برای ۱۹۱۰ نفر یک پرستار وجود دارد".

طبق این آمار سالانه در کشور ما ۲۸۲۸۷۵ نفر جان خود را از دست میدهند. طبق استاندارد سازمان بهداشت جهانی هر ۱۰۰۰ نفر باید یک پزشک داشته باشد. در بعضی از مناطق صنعتی جهان برای هر ۲۰۰ نفر یک پزشک وجود است .

کودک بیمارستان، نبود کادر پزشکی و کمبود دارو باعث شده است که افراد زیادی روزانه جانشان را از دست بدهند مطمئناً افراد زیادی از این تعداد جز طبقه ستمکش جامعه میباشند که توان مالی ندارند و نمیتوانند از بیمارستانهای خصوصی استفاده کنند. قابل توجه است که روزنامه کهان ۱۱ دی ص ۲۲ می‌نویسد " زائوی بروجردی پس از ۷ ساعت سرگردانی بین بیمارستانهای اراک در آمبولانس جان سپرد" امروز همگان میدانند که مسئول اصلی این فجایع ح اسلامی است . در شرایطی که انسانهای متعددی بخاطر عدم بهداشت و درمان روزانه جان خود را از دست میدهند رهبران طراز اول رژیم اسلامی و سرمایه‌داران از همه امکانات پسر خوردارند .

ارزیابی فردهالیدی از اهداف آمریکای بحران خلیج فارس

به اعتقاد فردهالیدی استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن ساله اصلی در بحران کویت شکست نظامی عراق نیست، بلکه تدارک برقراری - ثبات دراز مدت در خلیج فارس است که در این چارچوب ایران و عراق هر دو ایفای نقش میکنند. هالیدی که این مطلب را در روزنامه گاردین مینویسد چنین توضیح میدهد " هدف نظامی آمریکا مبتنی بر شکست عراق در کوتاهترین مدت ممکن، همراه با کمترین ضایعه انسانی است، شکست نظامی عراق میتواند زمینه بی‌ثباتی در منطقه و جنگ داخلی در آن کشور شود" وی می‌افزاید " این شرایط نابسامان سیاسی میتواند زمینه مساعدی برای دخالت ایران، ترکیه، کشورهای عرب و اسرائیل در امور داخلی عراق فراهم کند در حالی که ساله اصلی در خلیج فارس ایجاد زمینه مطلوب برای ثبات دراز مدت و مشارکت فعال ایران و عراق در تداوم چنین وضعیتی است ."

☆☆☆

سیل دهها شهر و روستای در سیستان و بلوچستان و کرمان را فرا گرفت

بنا به گزارش روزنامه‌های کهان دولتی (مورخه ۸ و ۹ بهمن ۱۹۹۱) بر اثر سیل شدیدی که در زاهدان و مناطق اطراف آن جاری گشت تمامی بخش میرجاوه به محاصره درآمد و دهستان تهاب با ۵۰۰ خانوار بکلی تخریب شد. سیل همچنین به درون خانه‌ها مردم راه یافته است و به روستاهای حاشیه مرز میرجاوه آسیبهای جدی رسانده و موجب قطع ارتباط زاهدان - میرجاوه گشته است . علاوه بر این در اثر آسیب به سیل بند شهر زاهدان سیلاب با شدت زیاد از ۳ نقطه به درون زاهدان جریان داشته که خانه‌ها واقع شده در مسیر این سه جریان تخریب شده و اثاث مردم بر روی سیلاب شناور شده است. با وجود این همه خرابی، مقامات دولتی . تنها از مرگ ۵ تن در این سیل خبر میدهند .

گزارشهای رسمی همچنین حاکیست که در گناباد نیز سیل باعث تخریب ۵۰ واحد مسکونی گشته است .

بنا به گزارش روزنامه کهان دولتی (۹ بهمن ماه) آترنیا بخشدار بخش میر جاوه زاهدان در مقابل سؤال خبرنگار مبنی بر چگونگی کمک رسانی به آسیب دیدگان گفت: " متأسفانه به علت مسدود بودن راهها و وضعیت نا مساعد هوا کمک رسانی در روزهای اولیه امکان پذیر نبود....." گویا در هنگام جاری شدن سیل می‌بایستی وضعیت مساعد باشد تا کمکی به مصیبت‌دیدگان و کسانی که هر لحظه با خطر مرگ روبرو هستند، - انجام گیرد .

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

می‌کند و چنین می‌گوید:

"التزام علی جزء شرایط کاندیداتوری ریاست جمهوری نیست این قید برای کاندیداتوری مجلس غیر ضروری است".

طرح فوق حاکی از آن است که تندروهای منتهی از يك طرف خود را - برای انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی آماده می‌کنند و همچنان میخواهند این سنگ را حفظ کنند. از طرف دیگر آنها هراسی دارند که نتوانند از فیلتر شورای نگهبان بگذرند. عدم تأیید کاندیداهای روحانیون مبارز در انتخابات خیرگان از جمله کربوی و خلخالی بدلیل عدم صلاحیت فقهی از جانب شورای نگهبان رنگ خطری است برای انتخابات مجلس شورای اسلامی زیرا تندروها بخوبی میدانند که این بار امکان دارد بدلیل واهی ضمیمه با ولایت فقیه "کاندیداهای این جناح از جانب شورای نگهبان تأیید نشوند. روند سیاست یکساله ح اسلامی این را به خوبی نشان داده است که جناح خاصای - رفسنجانی برصد حذف این جناح از صحنه سیاسی میباشد.

☆☆☆

يك هزار میلیارد دلار خسارت مالی ایران از جنگ

۳۰ ماه از پایان جنگ خانانوسز دول ایران و عراق می‌گذرد، اما هنوز در هیچ يك از شهرها و مناطق ویران شده اقامت اساسی از طرف رژیم جمهوری اسلامی صورت نگرفته است. با وجود این دست اندرکاران رژیم تقلاً ناشتند تا با انتشار آمار و ارقام دروغین و گزارشهای نادرست این واقعیت را کتمان کنند.

روز شنبه ۱۵ دیماه در تهران " کنفرانس بین المللی بازسازی " با حضور کارشناسان کشورهای گوناگون گشایش یافت. رفسنجانی طی يك سخنرانی در این کنفرانس اعتراف نمود که رژیمش هنوز موفقیتی در بازسازی مناطق جنگ زده به دست نیاورده است. وی همچنین درباره خسارات جنگ گفت: " میزان خسارتهای مستقیم و غیر مستقیم جنگ به تأسیسات و امکانات کشور بیش از يك هزار میلیارد دلار است "

در این کنفرانس کارشناسان ۲۳ کشور و از جمله آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ترکیه، دانمارک، هند، ژاپن، کانادا، شوروی، مصر و ... شرکت نموده بودند.

☆☆☆

يك گشت دیگر به گشتیهای دیگر رژیم افزوده شد

رژیم جمهوری اسلامی که برای کنترل و سرکوب مردم و حفظ امنیت خود تا بحال گشتیهای مختلفی از قبیل ثارالله، جنرالده، سپاه، شهرانی،

بقیه در صفحه ۲۲

همین روزنامه کیهان يك ماه قبل اعلام کرد که آیت الله گلپایگانی را بخاطر مرض کلیوی به لندن فرستادند و در یکی از بیمارستانها بستری گردید.

☆☆☆

بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر در ایران به بیماری جنام مبتلایند

طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی، در حال حاضر بیش از ۱۲ میلیون نفر در دنیا از بیماری جنام رنج می‌برند.

از کل بیماران جنامی يك سوم آنها (حدود ۴ میلیون نفر) تنها در هندوستان بسر می‌برند. بنا به گزارش کیهان دولتی مورخه (۶۹/۱۱/۸) در ایران نیز تا کون نزدیک به ۱۴ هزار مورد بیماری جنام ثبت شده است، اما با توجه به اینکه سازمان بهداشت جهانی میزان شیوع این بیماری را در ایران نیم یا يك در هزار اعلام کرده است، پیش‌بینی میشود که تعداد بیماران جنامی در ایران حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر باشد که عمدتاً در استانهای شمالی، غربی و استان مرکزی هستند. گر چه مواردی از بیماری نیز در سیستان و بندر عباس مشاهده شده است.

☆☆☆

هراس " تندروهای منتهی " از انتخابات آینده

براساس طرحی که صبح روز چهارشنبه ۱۹ دیماه کلیات آن در - جلسه علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید قرار است شرط "التزام علی به اسلام" از شرایط کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی حذف شود- ارائه دهندگان طرح که غالباً از جناح تندرو میباشد اصلاحیهای برای ماده سوم قانون انتخابات پیشنهاد کردهاند که به قرار زیر است: در این ماده عبارت " نظارت بر انتخابات مجلس بمعهد شورای نگهبان است " به عبارت " نظارت بر برگزاری انتخابات مجلس بمعهد شورای نگهبان است " تبدیل گردیده است.

صادق خلخالی در دفاع از این طرح چنین می‌گوید:

"اصلاً التزام علی يك مسئله پیچ و تاب دار است مثلاً چون فلانی مقلد امام نبوده و مثلاً چون در انتخابات شرکت نکرده ملتزم به اسلام نیست خیلی از فقها هستند که ما دست آنها را می‌بوسیم ولی ولایت فقیه را قبول ندارند پس باید بگویم که اینها درست نیستند؟ آیا باید بگویم مرگ بر ضد ولایت فقیه حتماً مثل شما؟ این که درست نیست و يك عدهای هم هستند که ولایت فقیه را قبول دارند و عدهای هم قبول ندارند اما اسلام را قبول دارند و معتقد به اسلام و ح اسلامی هستند."

سخنران بعدی اسدالله بیات نماینده مردم زنجان از طرح مذکور دفاع

بنب از صفه ۶ گستاخی رفسنجانی در تبلیغ صیغه (فحشاء اسلامی)

از آن جمله در محله کیان پارس اهواز "خانه عفت" و در تبریز مگانی به نام "مهناخانه" دایر گردید.

علاوه بر فحشای شرعی و اسلامی، زنان بیشماری در اثر فقر و فلاکت اقتصادی، بیگاری و بی‌سریناهی و فقر فرهنگی به خود فروشی تن داده و می‌دهند. و کمتر ماه و هفتگی است که خبر سنگسار و اعدام "زنان زنا کار و خاطسی" در مطبوعات و رسانه‌های گروهی رژیم چاپ و منتشر نشود.

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

اینچنین است که امروز در ایران اسلامی تحقیر و بی‌حقوقی زنان، شیوع فساد و فحشاء، رواج انحرافات گوناگون جنسی از هجمنی بازی گرفته تا بچه بازی، طغیانها و آشوبهای جنسی و ۰۰۰ ابعاد وحشتناکی یافته است. و صد البته تمامی این ناهنجاریها بر بستر سرکوب و خفقان، اعدام و شکنجه، فقر و فلاکت اقتصادی، بیگاری میلیونی، عدم وجود حداقل امکانات زندگی برای اکثریت جامعه، گرانی و ۰۰۰ قرار دارد.

در این شرایط است که هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۹ آذر خودباز جمله می‌گوید:

"الان فرهنگ جامعه ما این است که جوانان ما اگر بخواهند تقوی و حیثیت ظاهری را در جامعه ملاحظه کند باید تا ۲۵ - ۳۵ سالگی و تا موقعی که بتوانند خانه و زندگی و کاری دست و پا کنند، محروم از اشباع غرایز جنسی‌شان باشند. خوب ما می‌دانیم که بچه که به ۱۵ سالگی رسید و وقتی که مکلف شد، یک نیاز جنسی در وجود او پیدا میشود. . . . شاید الان میلیونها زن بی‌سرپرست، بیوه، طلاق گرفته، شوهر مرده و ازدواج نکرده در جامعه وجود دارند که محرومند، اینها باید تا آخر عمرشان همینطور بمانند، چون یک بار ازدواج کردند و شوهرشان مرده یا طلاق گرفتند. حالا در جامعه عیب است که خانم دو تا شوهر بکند یا ارتباط موقت با دیگری داشته باشد. این چه حکیمت؟ . . ."

رفسنجانی در سراسر صحبت‌هایش زورانه در کنار محرومیت‌های جنسی مردان، از محرومیت‌های جنسی زنان بیوه، زنان طلاق گرفته و . . . سخن به میان می‌آورد، اما هنگامیکه سخنان رفسنجانی را در بطن نگرش اسلام به زنان و ستم عظیمی که در ایران تحت سیطره اسلام بر زنان روا میشود، مورد بررسی قرار دهیم، هیچ شکی باقی نمی‌ماند که منظور هاشمی رفسنجانی نه توجه به نیازهای جنسی زنان بلکه فقط و فقط تبدیل هر چه بیشتر زنان به ابزار بی‌ارادگی برای ارضای نیازهای جنسی مردان میباشد.

رفسنجانی از مروجین ایدئولوژی‌ای است که در تمامی تاریخش هیچگاه برای زن - حتی در میل جنسی قائل نشده است. بر طبق احکام اسلام و در حریم‌های سرمداران اسلام زن می‌تواند و باید ماهها بدون همخوابگی با مرد سرکند. ولی مرد نمی‌تواند حتی چند روز بدون زن به سر برد. منطبق با این دیدگاه است که مرد می‌تواند تا بی‌نیاهیت زن در اختیار داشته باشد؛ زنانی که به عقد دائم در آمدند، زنانی که به ازدواج موقت تن دادند، کنیزان و زنانی که جزو -

"غنایم جنگی" هستند و . . . در حالیکه زن اگر با دو مرد رابطه داشت، مستحق سنگسار است و اگر از "اطاعت" مرد سرپاز زد و حاضر نشد، هر جا

بمثال آن زنان به شکل تودمبار و به جرم فساد و فحشاء از ادارات، موسسات آموزشی و کارخانه‌ها و شرکتها اخراج شدند. تا آنجا که مصطفی کتیرایی رئیس سازمان امور استخدامی و اداری کشور در مصاحبه ۲۵ مرداد ۵۹ خود با زن روز اعلام کرد "بیش از ۱۰۰ هزار نفر از خانمهای کارمند از ادارات"، "طبق حکم دادگاه انقلاب و به خاطر ایستادگی در برابر خواست جامعه یعنی رعایت پوشش اسلامی" اخراج شدند.

طبق آمار، در سالهای ۵۸ - ۵۷ در مقابل هر ۱۴۰۰۸ تن مرد ۲۲۱۴ زن در کادر آموزشی موسسات آموزش عالی اشتغال داشتند در حالیکه در سالهای ۶۲ - ۶۱ این تعداد زن به ۱۴۲۴ تن تقلیل یافت. بسیاری از زنان از مشاغل فنی و مهندسی هم کنار گذاشته شدند، به طوریکه در سال ۶۰ در مقابل ۱۸۷۰۲ تن مردی که در این مشاغل اشتغال داشتند فقط ۱۸۰۰ زن مشغول به این کارها بودند که در سالهای بعد این تعداد باز هم کمتر شد. برای سرکوب و کنترل زنان تشکیلات و سازمانهای عریض و طویلی ایجاد شدند، گستاخهای "لارالله"، پاسداران عفت، "خواهران زهرا" و . . . پدیدار گردیدند و باندهای جاقوخت و اراذل حزب‌اللهی را به بهانه "امر به معروف و نهی از منکر" در خیابانها به جان زنانی انداختند که نمی‌خواستند به تنگ‌جواب اسلامی تن دهند.

تعدد زوجات به صورت قانونی درآمد، حق طلاق به مردان داده شد و - ازدواج قانونی دختران از ۱۸ سال به ۱۲ سال تقلیل یافت (۷). کلاسهای درس، اتوبوسها، نکتز و پرستار، دریا و . . . زنانه مردانه شدند. با غیر شرعی اعلام کردن مدارس مختلط عملاً از تحصیل دختران روستایی جلوگیری شد. چون در روستاها به علت کمبود امکانات و معلم اکثر مدارس مختلط بودند و این محدودیت بخش عظیمی از دختران را حتی از تحصیل ابتدایی محروم کرد.

تحت قوانین صدرصد اسلامی جمهوری اسلامی، زنان نه تنها از حق قضاوت بلکه از حق شهادت نیز محروم شدند. تهاوردی که زنان حق شهادت دارند شیردامن به بجای است که مادرش مشخعی نیست که در این حالت هم شهادت دو زن برابر یک مرد است. زنان حتی حق شهادت در مورد قتل را نیز ندارند و طبق ماده ۲۲ قانون جزایی، قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.

با تصویب قانون قضای جنایت و وحشیگری نسبت به زنان جنبه گسترده‌تری غنیری به خود گرفت. سنگسار زنان، اعدام زنان حامله، درگونی پیچیدن زنان به پایین پرتاب کردن ایشان از ارتفاعات و . . . متداول شد.

در حکومت اسلامی فحشاء به گونه چشمگیری گسترش یافت و تنها یک پوشش اسلامی به آن داده شد. جمهوری اسلامی برای فاحشها "کانون جمعیت اسلامی" دایر کرد و بعد از آن دفتر ازدواج بنیاد اسلامی را به راه انداخت که مقاصبان ازدواج دائم یا موقت (صیغه) به آن رجوع کنند و برای هر بار صیغه - ملبنی به حساب ۱۰۰ امام بریزند!

رفسنجانی بویژه در سال ۶۴ بارها در خطبه‌های نماز جمعه به تبلیغ فحشای اسلامی پرداخت و متعاقب آن در شهرهای مختلف ایران مراکز فحشاء دایرشد.

گستاخی رفسنجانی در تبلیغ صیغه (فحشاء اسلامی)

اسلامی و تحقیر و سرکوب زنان جرأت یافته، با وقاحت بی‌سابقه‌ای به تبلیغ این عمل " طرد شده" بپردازد.

رفسنجانی در طول دوران سیاه و ننگین حیات جمهوری اسلامی از طراحان و مجریان اصلی پایمال نمودن حقوق زنان بوده است، هم اوست که در کادر رهبری و حزب جمهوری اسلامی از سازماندهندگان اصلی باندهای اراذل و اوباش حزب اللهی برای تهاجم به زنان بود و در مورد " زنان خاطی" می‌گفت: "ایشان به خشونت احتیاج دارند." هم اوست که در خطبه‌های نماز جمعه خود علناً " باندهای سیاه حزب الله را تشویق میکرد به حمله و ضرب و شتم زنان " بدحجاب" به پردازند و نعره میکشید که " دیگر قرار بر این نیست که مسئولان جلوی حزبالله را بگیرند، دست آنها در امر به معروف (بخوان پاشیدن اسید به صورت زنان، چاقو زدن به آنها، توهین و بی‌حرمتی و ناسزا گفتن به زنان و ...) باز خواهد بود." (۱۱) و اینکه در ادامه همان سیاستها و عملکردهایش و به منظور تحمیل بی‌حقوقی مطلق بسه‌زنان به تبلیغ آشکار و بی‌شرمانه صیغه این بانگبار بربریت و عهد عتیق مشغول است (۱۲).

در يك كلام ، هنگامیکه پوشش سفطه آخوندی را از سخنان رفسنجانی بسه کار برنیم، يك چیز بیشتر از آن باقی نمیمانند: انقیاد و بردگی باز هم بیشتر زنان برای ارضای نیازهای جنسی مردان. این واقعیت چندش‌انگیز را میتوان به گونهای صریح از سخنان یکی از طرفداران نظریه رفسنجانی درباره صیغه دریافت .

محمد جواد صاحبی، مدیر مسئول و سردبیر کیهان اندیشه در صاحبی که در کیهان دولتی ۳ دیماه ۱۳۶۹ چاپ شد ، می‌گوید: "۰۰۰ عمده دلایل جنابیه‌ها محرومیت يك طرف و عموماً" مردها از لذت جنسی است حال ممکن است به دلایل مختلف همچون بیماری زن باشد، به این منظور تنها راه حل به نظر من ازدواج موقت است و این امر از فروپاشی خانوادها جلوگیری میکند". در ایران امروز که گذران بی‌غدغه حتی يك روز، به آرزوی بزرگ میلیونها تهیدست، بیکار و جوان تبدیل شده است، طبیعتاً " مساعدترین زمینه‌ها و - شرایط برای بروز ناهنجاریهای گوناگون اجتماعی مهیا گشته است. رژیمی که برای حفظ موجودیت خود و دفاع از منافع سرمایه‌داران، فقر و بیکاری و در به نری و پایمال کردن حقوق ابتدایی انسانها را سر لوحه برنامه خویش قرار داده، رژیمی که می‌کوشد احکام و آداب و رسوم عهد عتیق و دوران بربریت را به قواعد و - معیارهای قابل قبول برای همه جامعه تبدیل کند، خود مسبب و پدید آورنده ناهنجاریهای اجتماعی است.

لازمه حرکتی واقعی برای ایجاد روابط سالم در جامعه، قبل از هر چیز تأمین زندگی همه انسانها و به رسمیت شناختن حقوق انسانی و ارزشهای پیشرو در جامعه است. برای اینکار باید در گام اول رژیم جنایتکاران را، رژیمی که فسر و بی‌حقوقی بی‌سابقه‌ای را به مردم تحمیل کرده است ، به زیر کشید.

ناصر سعیدی

سامانه ۹۰

و هر وقت که مرد اراده کرد به نزدیکی با وی تن دهد، میتوان وی را از "نقشه" و مایحتاج ابتدایی زندگی (خورد و خوراک، پوشاک، مسکن و ...) محروم گرداند. و از آنجا که قدرت اقتصادی در دست مرد است و قانون اسلامی نیز در این باره پشتیبان اوست عملاً" دارای چنین قدرتی است .

بر پایه چنین واقعیت ناگواری است که رفسنجانی در ادامه صحبت‌هایش با پیش کشیدن موضوع " ازدواج موقت" (صیغه) ، صریحتر حرف دلش را می‌زند و برای اینکه مردان مسلمان در انجام صیغه مشکلی نداشته باشند می‌گوید:

"... خیال می‌کند مثلاً" برای ازدواج موقت لازم است که برویم پیش يك آقای معلم يك زن و مرد خجالت می‌کشند که بروند آنجا صیغه عربی بخوانند. این حرفها لازم نیست، فارسی هم می‌توانند قرار داد بکنارند. این چیزی است که شرعاً - - گفتند با هم قرار بکنارند. ما يك ماه ، دو ماه با هم هستیم، اگر فرزندی داشت تکلیف فرزند را روشن کنند، تکلیف دوران عده را مشخص کنند، مسائل شخصی شود. ولی برای اینکه نظم نداشته باشد اگر در دفتر ثبت شود و منظم باشد بهتر است و این رسمی است ."

تبلیغ صیغه که اینک با بی‌روایی بیشتری از جانب رفسنجانی صورت می‌گیرد، به هیچوجه امری ابتدا به ساکن نیست. تبلیغ و اشاعه صیغه و تعدد زوجات در سراسر حیات ننگین جمهوری اسلامی جزئی از قانونیت بخشیدن به بی حقوقی و موقعیت فرودست زنان بوده است .

از نظر اسلام هدف از صیغه " استمتاع و تسکین غریزه" مرد است. (۸)

مرد آنه تنها در قبال زن صیغهای تعهدی ندارد (مگر اینکه در زمان صیغه ذکر شده باشد) بلکه حتی اگر زن در موقع صیغه بر این امر واقف نباشد، اگر آستن شود، حق خرجی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد. (۹) به عبارت دیگر صیغه راه کم خرجی است برای مردان مؤمن که با آسودگی خیال، از زنان برای ارضای گرایش جنسی خود استفاده نموده و هر زمان که اراده کردند و بدون هیچ دفعتهای ایشان را به حال خویش رها نمایند.

در جامعه اسلامی، زن صیغه شده، جزء بی حقوق‌ترین اقشار است، وی موجودی است محروم از هر گونه تأمین اجتماعی، با آیندهای مبهم و بلا تکلیف و در تشویش و نگرانی دائم. وی به تمام معنی ایزاری است که به کرایه مرد در آمده است . علاوه بر همه اینها زن صیغهای در افکار عمومی جامعه نیز موجودی خوار و بیست است. اساساً صیغه به دو علت به فحشاء نزدیک است . اولاً " اکثریت زنان صیغهای در نتیجه فلاکت اقتصادی و عدم تأمین اجتماعی به این امر تن میدهند و ثانیاً " طبق فرهنگ مرد سالارانه اسلامی، مردان از زنان صیغهای تنها برای ارضای غریزه جنسی خود استفاده می‌کنند.

تصادفی نیست که زنان آگاه ایران همواره به صیغه به عنوان نوعی از بربریت و توحش مرد سالارانه و به منزله توهینی به شخصیت زن در جامعه نگرسته می‌نگرند.

در ایران نفرت عمومی از صیغه به حدی بوده که مرتجمینی چون مطهری - استاد امثال رفسنجانی را به اعتراف واداشته که: " ازدواج موقت از طرف زنان و دختران ایرانی که شیعه مذهب میباشند استقبال نشده و آن را تحقیر برای خوددانسته پس افکار عمومی خود مردم شیعه نیز آن را طرد می‌کند." (۱۰)

اما اینک رفسنجانی به شرانه قریب به ۱۲ سال حاکمیت فوق ارتحای حکومت

تظاهرات قهرآمیز ۱۰۰ هزار یونانی بر علیه قوانین دولتی

بوده‌اند. قابل ذکر است که معلمی که در شهر پتراس به قتل رسیده بود نیز توسط این گروه مورد شلیک قرار گرفته بوده است. علاوه بر این حدود ۱۰۰۰ نفر هفته‌هاست که اقدام به تسخیر مدارس - کردند، در همین روز نیروهای تاجمی دولتی کوشیدند تا قهرا آنها را از ساختمانها بیرون بریزند، و به اشغال مدارس پایان دهند. علاوه بر اعتراضات بالا، عمده بیشماری از دانشجویان در رشته‌های مختلف در آتن و "Thessaloniki" در اغصاب به سر می‌برند.

بر اثر اعتراضات اخیر وزیر آموزش و پرورش یونان "Kondoyannopoulos" استعفا داده است و جانشین وی "Souflias" انطا میکند که رژیم محافظه کار به سبب نا روشن بودن پیشنهادش در مورد قوانین اخیر آموزشی (رفرم آموزشی) آنها را پس گرفته است.

رئیس دولت "Mitsotakis" ایوزیسون را محکوم کرد که "آنها خودشان را برای خواسته های بی ارزش در حالی سرگرم کردند که دنیا را خطر جنگ تهدید میکند."

یاد آوری می‌کنیم که تظاهرات دانش آموزان به دنبال قانون جدیدی است که توسط وزارت آموزش و پرورش یونان به تصویب رسیده است. مطابق با این قانون معلمان موظف میشوند تا رفتار دانش آموزان را در نمره‌های آنها دخالت دهند. علاوه بر این حذف امکانات آموزشی و تخمینی بودجه ناچیزتر برای آن و - خصوصی کردن آموزش و تحصیل دانشگاهی نیز جز "رفرم آموزشی" اخیر دولت بوده است.

☆☆☆

روز ۱۰ ژانویه تظاهرات گسترده‌ای از طرف دانش آموزان، دانشجویان و معلمین جهت اعتراضی به قتل یکی از معلمین توسط باند های دولتی در آتن برگزار شد. در حین این تظاهرات بین نیروهای پلیس و تظاهرات کنندگان برخوردهای قهرآمیزی بوجود آمد، که در این میان ۴ تن در آتش سوخته و جان باختند.

منابع دولتی ادعا می‌کنند که این ۴ تن در آتش سوزی که همراه پرتاب "کوکتل مولتف" از سوی گروه‌های آنتونوم ایجاد شده بود، به قتل رسیدند، در حالیکه شواهد موجود براین امر دلالت دارند که حریق به سبب فرسوده بودن لوله فشنگ گاز اشله آوز پدیدار شده و گسترش یافته است. ماهورین آتش نشانی اظهار داشتند که نیروهای پلیس با پرتاب گاز اشله آوز به سوی آنها، از اقدام آنها برای مهار نمودن آتش سوزی مانعیت به عمل آوردند.

در همین رابطه، دادستانی بر پایه شواهد و شهادتین بر علیه نیروهای پلیس اقامه دعوی نموده است.

سا به گزارش Taz حدود ۱۰۰ هزار دانش آموز، دانشجو و معلم با نظم و آرامش در تظاهراتی (در اعتراضی به قتل یکی از معلمین در شهر "پتراس")، در مرکز شهر آتن شرکت کردند که با قهر نیروهای پلیس مواجه شدند و بیش از ۱۲۰ نفر در درگیری که مسبب آن پلیس بود، مجروح شدند.

باند های دیمتی موسوم به "Onned" که وابسته به حزب حاکم "Nea Demokratia" هستند، در این ماجرا آتش بیار معرکه

بقیه از صفحه ۲۰

گستاخی رفسنجانی

باندداشتها:

- ۱- بررسی نگرش اسلام به زن - نگرشی که زن را بنده و برده مرد و وسیله‌ای در خدمت رفع نیازهای جنسی و سایر نیازهای وی میدانند از حوصله این مقاله خارج است. در این رابطه توجه خوانندگان گرامی را به مقاله ارزشمند آ. سیف تحت عنوان "زن در بارگه اسلام" که در پوشش شماره‌های ۹۰۶ و ۱۰ نیز به چاپ رسیده است، جلب می‌کنیم.
- ۲- مأخذ اول - صحیفه نور - جلد اول - ص ۱۰
- ۳- کتاب نهضت امام خمینی - ص ۲۰۰
- ۴- مأخذ اول - جلد اول - ص ۵۲
- ۵- همانجا - ص ۳۱
- ۶- آت الله صانعی - ص ۱۴ نیز ۵۹
- ۷- باید توجه داشت که اگر چه سن ازدواج قانوناً به ۱۳ سال تقلیل داده شد اما از نظر اسلام حتی دختر زیر ۹ سال را نیز می‌توان به عقد ازدواج در-

آورد. خمینی در این باره در توضیح المسائل - ص ۴۸۹ می‌گوید:

"اگر کسی دختر نا بالغی را عقد کند و پیش از آنکه ۹ سال دختر تمام شود با او نزدیکی و دخول کند، چنانکه او را افضا (پاره شدن مجرای تناسلی) نماید بهتر است که او را طلاق بدهد."

به عبارت دیگر به زعم خمینی - جانی مرتجع و سلسله جنان جمهوری اسلامی - شرناً میتوان دختر نا بالغی را به عقد در آورد و حتی اگر این طفل - بیچاره در اثر همجواری "افضا" شد بهتر است، اما واجب نیست، او را طلاق داد و به حال خود رها کرد.

۸- طهری - نظام حقوق زن در اسلام - ص ۲۳۲ توضیح المسائل خمینی ص ۵۱۶

۹- توضیح المسائل خمینی - ص ۴۹۱

۱۰- طهری - نظام حقوق زن در اسلام - ص ۲۲

۱۱- هاشمی رفسنجانی - کیهان ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۷

۱۲- گستاخی رفسنجانی در تبلیغ فحشاً اسلامی چنان بود که حتی تمثالی از زنان حزب اللهی نیز به سخنان وی اعتراض کرده و آنها را توهینی به شخصیت زنان دانستند.

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

بقیه از صفحه ۱۸

کمیته، منکرات، خواهران زینب، آگاهی و ۰۰۰ را مورد استفاده قرار داده بود، اخیراً برای کنترل و سرکوب نظم و سازمان یافتتر یک گشت مخصوص و مخفی پلیس بنام فجر که مأمورین آن با لباس بدل (شخصی) و اتومبیلهای با نمره شخصی پوشانده شدهاند، به خیابانها روانه گشته است. سر تیپ امیدیان رئیس پلیس تهران ویژگی این گشت را در برخورداری آن از مرکز عملیاتی قوی دانست و فاش ساخت که در مرکزی تمام اطلاعات مربوط به فعالیت "مجرمین" از طریق اداره آگاهی و پلیس جمع آوری شده است.

☆☆☆

اجلاس اگسو در پاکستان

روز پنجشنبه تا شنبه (۱۳ تا ۱۵ دیماه) وزرای خارجه دولتهای ترکیه، ایران، پاکستان در اسلام آباد (پاکستان) دیدار نمودند. دولتهای ایران، ترکیه و پاکستان که زیر عنوان "سازمان همکاریهای اقتصادی" (اگسو) اهداف مورد علاقه و مشترک خود را دنبال میکنند، در این دیدار نیز با اینکه "همکار اقتصادی" را یکدیگر میگویند، درباره مسائل سیاسی و امنیتی منطقه به بحث پرداختند.

ولایتی (وزیر امور خارجه دولت ایران) دو مسئله عمده را در این دیدار با مقامات دولت پاکستان و وزیر خارجه ترکیه در میان گذاشت:

۱- "ضرورت همکاری کشورهای منطقه برای استقرار امنیت و ایجاد یک سیستم جدید امنیتی"

۲- "اقدام برای تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی به منظور یافتن راه حل صلح آمیز برای بحران خلیج فارس"

قابل ذکر است که دول این کشورها در سال ۱۹۶۴ تشکیلی بنام "سازمان توسعه همکاریهای منطقه‌ای" (آر-سی-دی) بوجود آورده بودند که با انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ بساط آن به هم خورد. اما دوباره در سال ۱۹۸۴ و این بار بعنوان "اگسو" همکاریهای آنها بنیاد گرفت.

☆☆☆

منوعیت هر گونه اعتصاب در ترکیه

کابینه ترکیه در نشست روز ۲۶ ژانویه خود، به بهانه جنگ خلیج و "مسائل امنیتی"، برای مدت یک ماه هر گونه اعتصاب در این کشور را ممنوع اعلام کرد. یاد آوری میکنیم که معدنچیان شهر زونگولداک در حوزه دریای سیاه که از روز ۳۰ نوامبر سال قبل در اعتصاب بودند تا این تاریخ همچنان در اعتصاب بسر میبرند، و مسلماً یکی از اهداف این ممنوعیت مقابله با اعتصاب معدنچیان و همچنین ۱۰۵ هزار تن از اعتصابیون ترکیه میباشد.

☆☆☆

تظاهرات اعتراض آمیز خانوادهمهای زندانیان سیاسی در آنکارا

گروه کثیری از اعضا خانوادهمهای زندانیان سیاسی روز ۱۲ دی - مطابق ۲ ژانویه در مقابل بازداشتگاه آنکارا در اعتراض به ممانعت بسیار زندانیان با خانوادهمهای خود دست به تظاهرات زدند. در جریان این تظاهرات پنجاه تن از تظاهر کنندگان توسط مأمورین بازداشت شدند. تظاهر کنندگان پس از مداخله نیروهای امنیتی به تظاهرات خود خاتمه دادند و در مقابل بازداشتگاه منکور دست به تحصن زدند. مسئولین بازداشتگاه آنکارا به اتهام عدم رعایت مقررات زندان، به بیست تن از زندانیان سیاسی در مراسم آغاز سال جدید میلادی اجازه ملاقات با خانوادهمهایشان را نداده بودند. از سوی دیگر ۲۲ نفر از اعضای سازمان مارکسیستی-دوسول (جپ انقلابی) ترکیه به اتهام صد دولتی و تشویق کاروان به اعتصاب بعد از ظهر دیروز در آنکارا دستگیر شدند.

☆☆☆

آمریکا قصد دارد فرماندهان فارابونومارتی را بریاید

بنا به گزارش روزنامه دی تاگر تایونگ (۹۱/۱/۱۶) مقامات وزارت خارجه آمریکا در صددند تا فرماندهان چریکهای "F.M.L.N" را به بهانه ترور دو خلبان آمریکائی ربوده و آنها را مطابق با قوانین ضد تروریستی آمریکا محاکمه کنند.

در اول ژانویه دو خلبان هلیکوپتر نظامی آمریکا بر اثر سقوط هلیکوپترشان کشته شدند. دولت آمریکا مسئولیت قتل ایندو تن را به چریکهای السالوادور نسبت میدهد. با این وجود "اف . بی . آی" پس از تحقیقات خود درباره این موضوع اعتراف میکند که این حادثه نه توسط دستوری از طرف مقامات رهبری چریکها بلکه توسط دو چریک ساده "F.M.L.N" صورت گرفته است.

هدف مقامات دولتی آمریکا در وهله اول ربودن یکی از شخصیتهای مهم رهبری چریکها بنام "Joaquin Villalobos" میباشد، اما از آنجایی که بین دول آمریکا و السالوادور قرار نادی جهت استرداد افراد وجود ندارد، امکان دارد "ویلا لس" در هنگام مسافرت به کشورهای دیگر توسط نیروهای جاسوسی آمریکا ربوده شود.

دولت آمریکا با قدری سعی دارد به وسیله نامن زدن به یک جنگ روانی با چریکهای السالوادور، زمینه را برای مزوی کردن آنها و ربودن فرماندهانشان فراهم نموده و مطابق با قوانین قضایی آمریکا آنها را به عنوان تروریست به محاکمه بکشاند.

☆☆☆

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

۲۰ میلیون کودک در آمریکای لاتین معتادند

استرداد مستقیم جمعی از پناهجویان از مرز آلمان

مارینا شیفر دکه آدولف، مسئول رسیدگی به امور پناهندگان شهر بردن اعلام کرد که در شب سال نو میلادی، ۵۲ پناهجو که در میان آنان ۱۰ کودک و یک زن آبتن وجود داشت، هنگامی که از طریق مرز چکسلواکی قصد ورود به خاک آلمان (بخش آلمان شرقی سابق) را داشتند توسط مأمورین حفاظت مرزی آلمان مستقیماً از مرز باز گردانده شدند. احتمال داده میشود که این پناهجویان از اهالی ایران، عراق و یابنسان بودعاند.

لازم به ذکر است که هر چند تغییر قانون اساسی در دستور کار دولت آلمان قرار دارد و در این زمینه توافقاتی نیز حاصل شده است، با این وجود قبل از تغییر قانون اساسی، بازگرداندن پناهجویان از مرزهای این کشور، امری غیر قانونی میباشد.

منبع خبر: تاتس ۱۹۹۱/۱/۳

☆☆☆

کشتی های نظامی ، خوابگاههای پناهجویان !

قرار است از اول ماه آوریل سال جاری، دو کشتی در بنسدر هاربورگ به اسکان پناهجویان اختصاص داده شود. این کشتیها در بخش خدمات ارتش آلمان شرقی سابق مورد استفاده قرار می گرفتند و هم اکنون بخاطر اسکان پناهجویان در حال تعمیر و بازسازی هستند. بنا به گفته مسئول اداره ایالتی مهاجرین و پناهجویان در هاربورگ، استفاده از این دو کشتی به منظور جلوگیری از تراکم پناهجویان در ۳- کشتی دیگر در بندر نوی موهلن صورت میگیرد.

منبع خبر تاتس ۱۹/۱/۹۱

☆☆☆

اطلاعیه میز کتاب

کتابهای زیر در اختیار میز کتاب کمیته همبستگی قرار دارند:

۱- سیمون دوبووار سخن میگوید . ۱۰۴ صفحه، بها ۴ مارک به اضافه ۱/۶۰ مارک هزینه پستی .

۲- پری اندرسون . درباره مارکسیسم غربی ۲۰۰ صفحه، بها ۸ مارک به اضافه ۲ مارک هزینه پستی .

علاقتمندان برای دریافت کتابهای فوق میتوانند با واریز نمودن بها و هزینه پستی کتابها به حساب بانکی کمیته، با آدرس ما تماس حاصل کنند.

مجله " یونیورسیناد " (Universidad) چاپ کستاریکا در گزارشی که بر حسب تحقیقات سازمان دولتهای آمریکائی (OAS) - منتشر نمود، تعداد کودکان معتاد به مواد مخدر در آمریکای لاتین را حدود ۲۰ میلیون تن برآورد نمود. این خبر در روزنامه دی تاگس تاتسینگ - مورخه ۱۹۹۱/۱/۲۱ به چاپ رسیده است . این جمعیت انبوه سیلیونی نه تنها صرف کننده بلکه به دلیل فقر و فلاکتی که در آن غوطه خوردند ناچار به فروش و قاچاق مواد مخدر نیز هستند. از این رو توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر از این شبکه وسیع و انبوه برای قاچاق و توزیع کم خرج مواد مخدر استفاده میکنند.

☆☆☆

" کومکون " رسماً خود را منحل کرد

در اجلاس سازمان همکاریهای اقتصادی کشورهای بلوک شرق (کومکون) که روز ۱۵ دیماه (۵ ژانویه) در مسکو برگزار شد، این سازمان رسماً انحلال خود را اعلام کرد. در این اجلاس هم چنین قرار شد که به زودی سازمان جدیدی که به بازار آزاد گرایش خواهد داشت بنام " سازمان همکاری اقتصادی بین المللی " جای " کومکون " را بگیرد.

در سازمان جدید شوروی، بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان رومانی، کوبا و ویتنام عضویت خواهند داشت .

☆☆☆

منتشر شد :



بازار آزاد

شماره ۳۲

سال چهارم ۱۱/۱/۹۱

بازار آزاد

بازگشت به آزادی و صلح در ایران - پاکستان - سوریه - قیمت ۵ روپیه

دروان شماره

بر طالع: ۱- بنده آوارگان و پناهندگان در حال حاضر در ایران و اروپا

بسیار ممنوع در زندان کار و دستبند کتفا

اطلاعه عورت: علیه نسیفقات ۱۳۳۰

گفت و شنودی با یکی از پناهندگان کردها

با نام سرگانه در هیئت روزی به شماره ۱۱

اطلاعه: بنیاد جهانی حقوق بشر و کمیته بین المللی

سازمان

مردم علیه ترس - ترس

گزارشها از زندان

اجساد

سختی آزاد

سرمسوخه تکلیف

همه آرد کاسک در عورت و برگرداند

کتکها و باقی رسیده

ارسان با صفا در رسیده

NO TORTURE

voice against torture

زندانهای سیاسی آزاد باید گردد

گسترش کم نظیر و باشکوه مبارزه طبقاتی در ترکیه

بمستان رسیده است که در زیر فشارهای از آنرا می‌آوریم.

رفیق با اشاره به اعتصاب عمومی کارگران ترکیه در ۲ ژانویه و اعتصاب کارگران معادن نغال سنگ " زونگولداک " ادامه میدهد: اکنون این اعتراضات از چهار چوب خواسته‌های صنفی و اهداف سندیکاهای موجود فراتر رفته و ابعاد سیاسی بخود گرفته است و تلاطم آن، روز به روز بر ابتکار عمل طبقه کارگر و صف منظم کارگران ترکیه در مقابل دولت سرمایه‌دار حاکم بر ترکیه می‌افزاید.

این اعتراضات دارای ویژگی‌هایی است که در تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان ترکیه کم نظیر و در طی ۱۰ ساله گذشته بی‌نظیر بوده است. همراه با این دو رویداد تاریخی، اعتراضات و اعتصابات کارگری وسیعی از چند ماه قبل سراسر ترکیه را فرا گرفته است. این تحول در مبارزات طبقه کارگر ترکیه در حقیقت مرحله نویی از دستاوردهای تاریخ ساز کارگران و زحمتکشان ترکیه را رقم زده است.

برای درک بهتر این مبارزات، شرایط بحرانی ترکیه را به مدد اطلاعات و آمارهای موجود بررسی می‌کنیم تا گوشه‌ای از شرایط فلاکت‌نازع معیشتی کارگران و زحمتکشان ترکیه را نشان داده باشیم:

بعد از کودتای نظامیان در ترکیه برج تورم هر ساله در سطح بالایی قرار داشته است. طبق آمارهای اعلام شده از طرف انستیتوی آمار دولتی ترکیه برج تورم در سال ۸۹ برابر ۶۴٪ و در سال ۹۰ برابر ۶۰/۴٪ پهنه است. علیرغم این برج بالای تورم، دولت اعلام نموده است که برای سال ۹۱، بطور متوسط در ۶ ماهه اول ۲۰ درصد و در ۶ ماهه دوم ۲۰ درصد دیگر بر دستمزد مرد بگیران دولت اضافه خواهد کرد. بطور متوسط ۳۲ درصد در طول سال ۱ چنین احتلاف فاحشی پس افزایش تورم و دستمزدها، حیرت‌خیزی بیشتر برای کارگران و زحمتکشان ترکیه، حاصلی نخواهد داشت.

دستبرد برداختی به کارگران سباز ناچیزتر از مزارعی است که برای تأسیس حداقلهای لازم برای یک زندگی ابتدائی لازم است. چنانکه در یک برنامه تلویزیونی که در ساعت ۲۰ مورخه ۹۰/۱۲/۳۰ از کانال ۲ تلویزیون ترکیه بقیه در صفحه ۱۱

پس از ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ که ارتش ترکیه به رهبری " کعبان اورن " فرمانده و ژنرال نیروی زمینی قدرت را دست گرفت و قانون حکومت نظامی در ترکیه حاکم گردید، جنبشهای اجتماعی و طبقاتی در ترکیه با قهر عریانتری رویرو شد و از جوشش سابق فرو افتاد، زندانها نه تنها از کارگران مبارز و نیروهای جانب‌دار طبقه کارگر و مبارزین کرد بلکه حتی از رهبران قانونی اتحادیه‌ها و سندیکاهای رسمی و همچنین نیروهای میانه‌رو و مخالف نظامیان پر شدند. زندانها و شکنجه گاههای " دیار بکوند "، " آنکارا " (زندان ماطد)، " آناتسا " و دیگر شهرها هزاران انسان را در خود فشردند. سازمان امنیت ترکیه (میت) با گساختی بیشتری دخالت خود را به زندگی بخشهای وسیع تری از مردم گستراند. همراه با این شرایط، تورم روز به روز شدت یافت و مرد حقیقی کارگران و زحمتکشان بی‌بسته تنزل پیدا کرد. با کنار رفتن دولت نظامی کعبان اورن، تصور گویوت اورتل که سابقا نخست وزیر دولت نظامی بود به مقام رئیس جمهوری رسید.

در پیرویه ۱۰ ساله بعد از کودتا که به همراه خود ترکوت بار هم بیشتر آزادیهای دموکراتیک، نصیق حقوق حداقل طبقات و اقتدار تحت سم ترکیبند و سسط فقر و ناسامانیهای اجتماعی - اقتصادی را نسبت به دوران قبل از کودتا بدستال داشت، رسنه اعتلای مبارزات کارگران و زحمتکشان را که برای خود هیچ آسندای جز گرسنگی و پایمال شدن در نظام سرمایه‌داری نمی‌بینند، فراهم کردند. ایند، خنجر انفجار اعتراضات انقلابی نوددهای ترکیه به حدی است که حسی کفترآسیوها و سندیکاهای قانونی موجود در ترکیه را سر به سوی اعتراضات و اعتصابات وسیع سوق داده است.

اعتصاب عمومی کارگران ترکیه در تاریخ سوم ژانویه ۹۱ و همچنین اعتصاب کارگران معادن نغال سنگ در " زونگولداک " از سیمه بواصر ۹۰ و تلاطم درخشان آن به نطاهرات باشکوه کارگری و راهپیمایی وسیع و گسترده کارگران این معادن در سال ۹۱ سوی آنکارا، درخششهای بسیار با اهمیت حسن کارگری به سبها در ترکیه بلکه در سطفه حاور مانه میباشند.

در همین رابطه اخیرا از طریق یکی از رفقای مقیم ترکیه، گزارش مستندی

با پویش

همکاری کنید

Solidaritaetsverein mit
iran ischen Voelkern
Postfach 5311
3000 Hannover 1
Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritaetsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - Germany

زندانسی سیاسی آزاد باید گردد